

## لاویان

کتاب لاویان سومین کتاب عهد عتیق است. برخی این کتاب را «کتاب راهنمای کاهنان» نیز می‌نامند، زیرا مراسم مذهبی که توسط کاهنان اجرا می‌شد در این کتاب آمده است. کلمه «لاویان» از نام قبیله لاوی گرفته شده است. همه کاهنان اسرائیل از این قبیله بودند. کتاب لاویان را موسی به هنگام سفر بیابانی بنی‌اسرائیل نوشته است.

هفت فصل اول کتاب در خصوص شیوه قربانی برای گناهان کاهنان و مردم دیگر نوشته شده است. بقیه فصول کتاب از قواعد مربوط به خوراک پاک و ناپاک، و نیز مقدس داشتن روز «سبت» و رفتار درست و نادرست سخن می‌گوید. فصل شانزدهم از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل مراسمی که درباره روز معروف «کفار» توسط کاهن اعظم اجرا می‌شود، نوشته شده است. در کتاب لاویان خداوند به قوم خود وعده می‌دهد که همراه آنان باشد. «در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.»

کلمه «مقدس» در این کتاب بارها به کار رفته تا نشان دهد خدا چگونه است و چه رفتاری از قوم خود انتظار دارد. خداوند به آنان می‌فرماید که حفظ احکام و مراسم او باید جزئی از زندگی قوم او باشد.

### قربانی سوختنی

1 خداوند از خیمه عبادت با موسی سخن گفت و به او فرمود که دستورات زیر را به قوم اسرائیل بدهد:

وقتی کسی برای خداوند قربانی می‌کند، قربانی او باید گاو، گوسفند و یا بز باشد.<sup>3</sup> اگر بخواهد برای قربانی سوختنی یک گاو قربانی کند، آن گاو باید نر و بی‌عیب باشد. گاو را دم در ورودی خیمه عبادت بیاورد تا مورد قبول خداوند قرار گیرد.<sup>4</sup> شخصی که آن را می‌آورد، باید دستش را روی سر حیوان بگذارد. به این ترتیب آن قربانی پذیرفته شده، گناهان شخص را کفار می‌کند. بعد خود آن شخص حیوان را در حضور خداوند سر ببرد و پسران هارون که کاهند، خون آن را بیاورند و بر چهار طرف قربانگاه که جلو در ورودی خیمه عبادت است، بپاشند.<sup>6</sup> سپس آن شخص پوست گاو را بکند و آن را قطع‌مقطع کند،<sup>7</sup> و کاهنان هیزم روی قربانگاه بگذارند، آتش روشن کنند<sup>8</sup> و قطع‌ها و سر و پیه آن را روی هیزم قرار دهند.<sup>9</sup> نگاه آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گاو را با آب بشوید و کاهنان همه را روی قربانگاه

بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.<sup>10</sup> اگر گوسفند یا بز برای قربانی بیاورند، آن نیز باید نر و بی‌عیب باشد.<sup>11</sup> شخصی که آن را می‌آورد باید در سمت شمالی قربانگاه درحضور خداوند سرش را ببرد و کاهنان که پسران هارونند، خونش را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند.<sup>12</sup> سپس، آن شخص حیوان قربانی شده را قطع‌مقطع کند و کاهنان این قطع‌ها را با سر و پیه آن روی هیزم قربانگاه بگذارند.<sup>13</sup> آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گوسفند یا بز را با آب بشوید. سپس کاهنان همه آنها را روی آتش قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.

<sup>14</sup> اگر کسی می‌خواهد برای قربانی سوختنی پرنده قربانی کند، آن پرنده باید قمری یا جوجه کیوتر باشد.<sup>15</sup> کاهن، پرنده را بگیرد و جلو قربانگاه ببرد، سرش را بکند بطوری که خونش بر پهلوی قربانگاه بریزد. چینه‌دان و محتویات داخل شکمش\* را درآورد و آنها را در طرف شرق قربانگاه

\* (محتویات داخل شکمش) یا (پرهاش).

<sup>11</sup> برای تهیه هدیه آردی که به خداوند تقدیم می‌شود از خمیرمایه استفاده نکنید، زیرا بکار بردن خمیر مایه یا عسل در هدیهایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، جایز نیست.<sup>12</sup> هنگام تقدیم نوبر محصول خود به خداوند می‌توانید از نان خمیرمایه‌دار و عسل استفاده کنید، ولی این هدیه را نباید بر آتش قربانگاه بسوزانید.

<sup>13</sup> به تمام هدایا باید نمک بزنید، چون نمک یادآور عهد خداست.

<sup>14</sup> هرگاه از نوبر محصول خود به خداوند هدیه می‌دهید دانه‌ها را از خوشه‌ها جدا کرده، بکوبید و برشته کنید.<sup>15</sup> سپس روغن زیتون بر آن بریزید و کندر روی آن بگذارید، زیرا این نیز نوعی هدیه آردی است.<sup>16</sup> آنگاه کاهنان قسمتی از غله کوبیده شده و مخلوط با روغن را با تمام کندر بعنوان نمونه بر آتش بسوزانند و به خداوند تقدیم کنند.

### قربانی سلامتی

هرگاه کسی بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند، می‌تواند برای این کار از گاو نر یا ماده استفاده نماید. حیوانی که به خداوند تقدیم می‌شود باید سالم و بی‌عیب باشد.<sup>2</sup> شخصی که حیوان را تقدیم می‌کند، باید دست خود را روی سر آن بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. پسران هارون خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند،<sup>3</sup> و پیله داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همراه قربانی سوختنی بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود.

<sup>4</sup> برای قربانی سلامتی می‌توان از گوسفند و بز (نر یا ماده) که سالم و بی‌عیب باشد نیز استفاده کرد.<sup>5,7</sup> اگر قربانی، گوسفند باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می‌کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند.<sup>8,9,11</sup> و پیله، پیله داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی

درجایی که خاکستر قربانگاه ریخته می‌شود ببیندازد. سپس بالهای پرنده را گرفته، آن را از وسط پاره کند بدون اینکه پرنده دو تکه شود. آنگاه کاهن آن را روی هیزم قربانگاه بسوزاند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود.

### هدیه آردی

2 هرگاه کسی برای خداوند هدیه آردی آورد، هدیه او باید از آرد مرغوب باشد. او باید روغن زیتون روی آن بریزد و کندر بر آن بگذارد. سپس یک مشت از آن را که نمونه تمام هدیه است به یکی از کاهنان بدهد تا آن را بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود. <sup>3</sup>بقیه آرد به هارون و پسرانش داده شود تا برای خوراک از آن استفاده کنند. قسمتی که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.

<sup>4</sup> هرگاه کسی نان پخته شده در تئور برای خداوند هدیه آورد، آن نان باید بدون خمیرمایه و از آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون تهیه شده باشد. از نان بدون خمیر مایه که روغن روی آن مالیده شده باشد نیز می‌توان بعنوان هدیه استفاده کرد.<sup>5</sup> اگر کسی نان پخته شده روی ساج هدیه آورد، آن نان نیز باید از آرد مرغوب بدون خمیرمایه و مخلوط با روغن زیتون باشد.<sup>6</sup> او باید آن را تکه‌تکه کند و رویش روغن بریزد. این نیز یک نوع هدیه آردی است.<sup>7</sup> اگر هدیه شما در تابه پخته شود، آن هم باید از آرد مرغوب و روغن زیتون باشد.

<sup>8</sup> این هدیه‌ای آردی را نزد کاهن بیاورید تا به قربانگاه ببرد و به خداوند تقدیم کند.<sup>9</sup> کاهنان باید فقط مقدار کمی از هدیه را بعنوان نمونه بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند است.<sup>10</sup> بقیه هدیه به کاهنان تعلق دارد. این قسمت که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.

طاهری ببرد که در خارج از اردوگاه برای ریختن خاکستر قربانگاه مقرر شده است و در آنجا آنها را روی هیزم بسوزاند.

<sup>13</sup> اگر تمام قوم اسرائیل سهواً مرتکب گناهی شوند و یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارند، هر چند این کار را ندانسته انجام داده باشند، مقصر محسوب می‌شوند. <sup>14</sup> وقتی آنها به گناه خود پی‌برند، باید گوساله‌ای برای کفاره گناه خود قربانی کنند. گوساله را به خیمه عبادت بیاورند <sup>15</sup> و در آنجا بزرگان قوم در حضور خداوند دستهای خود را روی سر حیوان بگذارند و آن را ذبح کنند. <sup>16</sup> آنگاه کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه عبادت بیاورد <sup>17</sup> و انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پردهٔ قدس‌الاقداص بپاشد. <sup>18</sup> بعد در حضور خداوند قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه بخور که در خیمه عبادت است، بمالد و باقی ماندهٔ خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه است، بریزد. <sup>19</sup> تمام پیه باید روی قربانگاه سوزانده شود. <sup>20</sup> کاهن اعظم باید از همان روش قربانی گناه پیروی کند. به این طریق برای قوم خدا کفاره خواهد کرد و خطای آنان بخشیده خواهد شد. <sup>21</sup> او گوسالهٔ قربانی شده را از اردوگاه بیرون ببرد و بسوزاند، همانطور که گوسالهٔ قربانی گناه خود را می‌سوزاند. این قربانی گناه تمام قوم اسرائیل است.

<sup>22</sup> اگر یکی از رهبران سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند، خدای خود را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. <sup>23</sup> وقتی او به گناهش پی‌برد، باید یک بز نر سالم و بی‌عیب تقدیم کند. <sup>24</sup> دست خود را روی سر بز بگذارد و در جایی که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند آن را ذبح کند و به خداوند تقدیم نماید. این، قربانی گناه اوست. <sup>25</sup> بعد کاهن قدری از خون قربانی گناه را بگیرد و با انگشت خود روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و بقیهٔ خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>26</sup> تمام پیه باید مثل پیه قربانی سلامتی، روی قربانگاه سوزانده شود. به این

جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند.

<sup>12</sup> اگر قربانی، بز باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می‌کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند <sup>14</sup> و <sup>15</sup> و پیه داخل شکم، قلوه‌ها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند. این هنیه که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود. تمام پیه آن حیوان به خداوند تعلق دارد. <sup>17</sup> هیچ یک از شما نباید خون یا پیه بخورید. این قانونی است ابدی برای شما و نسل‌هایتان، در هر جا که باشید.

#### قربانی گناه

4 خداوند به موسی فرمود تا <sup>1</sup> قوم اسرائیل بگوید که هر که سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، باید طبق این مقررات عمل کند:

<sup>2</sup> اگر خطا از کاهن اعظم سر زده باشد و بدین ترتیب قوم را نیز گناهکار ساخته باشد، برای گناه خود باید گوساله‌های سالم و بی‌عیب به خداوند تقدیم کند. <sup>3</sup> گوساله را دم در خیمه عبادت بیاورد، دستش را روی سر آن بگذارد و همانجا در حضور خداوند سرش را ببرد. <sup>4</sup> کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه عبادت ببرد، <sup>5</sup> انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پردهٔ قدس‌الاقداص بپاشد. <sup>6</sup> سپس در حضور خداوند قدری از خون را روی شاخهای قربانگاه بخور که داخل خیمه است، بمالد. باقیماندهٔ خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه عبادت است، بریزد. <sup>7</sup> آنگاه تمام پیه داخل شکم، قلوه‌ها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را بردارد، <sup>8</sup> و آنها را روی قربانگاه قربانی سوختنی بسوزاند، درست همانطور که پیه گاو قربانی سلامتی را می‌سوزاند. <sup>9</sup> اما باقیماندهٔ گوساله، یعنی پوست، گوشت، کله، پاچه، دل و روده و سرگین را به مکان

<sup>3</sup>هرگاه کسی نجاست انسان را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، وقتی متوجه شد چه کرده است، مجرم می‌باشد.

<sup>4</sup>اگر کسی نسنجیده قولی دهد و قسم بخورد که آن را بج آورد ولی بعد پی‌ببرد که قول بی‌جایی داده است، مجرم می‌باشد.

<sup>5</sup>در هر یک از این موارد، شخص باید به گناهش اعتراف کند <sup>6</sup>و برای قربانی گناه خود یک بره یا بز ماده نژد خداوند بیاورد تا کاهن برایش کفاره کند.

<sup>7</sup>اگر شخص مجرم تنگدست باشد و نتواند بره‌ای بیاورد، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود به خداوند تقدیم کند، یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختی. <sup>8</sup>کاهن پرنده‌ای را که برای قربانی گناه آورده شده، بگیرد و سرش را ببرد، ولی طوری که از تنش جدا نشود. <sup>9</sup>سپس قدری از خون آن را بر پهلولی قربانگاه بپاشد و بقیه را به پای قربانگاه بریزد. این، قربانی گناه است. <sup>10</sup>پرنده دوم را بعنوان قربانی سوختی طبق دستورالعملی که قبلاً داده شده است قربانی کند. به این ترتیب کاهن برای گناه او کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

<sup>11</sup>اگر او فقیرتر از آنست که بتواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود قربانی کند، می‌تواند یک کیلو آرد مرغوب بیاورد. ولی نباید آن را با روغن زیتون مخلوط کند یا کندر بر آن بگذارد، زیرا این، قربانی گناه است. <sup>12</sup>آرد را پیش کاهن بیاورد تا کاهن مثنی از آن را بعنوان نمونه بردارد و روی قربانگاه بسوزاند، درست مثل قربانی‌هایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود. این، قربانی گناه اوست. <sup>13</sup>به این ترتیب کاهن برای گناه او در هر یک از این موارد، کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. در این قربانی نیز مثل هدیه آردی، بقیه آرد به کاهن تعلق می‌گیرد.

### قربانی جبران

<sup>14</sup>خداوند این دستورات را به موسی داد: <sup>15</sup>هرگاه کسی در دادن هدیه‌ای که در نظر خداوند مقدس

ترتیب کاهن برای گناه رهبر کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

<sup>27</sup>اگر یک فرد عادی سهوا مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. <sup>28</sup>وقتی او به گناه خود پی‌برد، باید یک بز ماده سالم و بی‌عیب بیاورد تا آن را برای گناهش قربانی کند. <sup>29</sup>بزر را به مکانی بیاورد که قربانی‌های سوختی را سر می‌برند. در آنجا دست خود را روی سر حیوان بگذارد و آن را ذبح کند. <sup>30</sup>کاهن با انگشت خود قدری از خون را روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختی بمالد و بقیه خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>31</sup>تمام پیه باید مثل پیه قربانی سلامتی، روی قربانگاه سوزانده شود و این مورد پسند خداوند خواهد بود. به این ترتیب کاهن گناه آن شخص را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

<sup>32</sup>اگر آن شخص بخواهد برای کفاره گناهش بره قربانی کند، باید آن بره، ماده و بی‌عیب باشد. <sup>33</sup>او باید دست خود را روی سر بره بگذارد و آن را در مکانی که قربانی‌های سوختی را سر می‌برند، بعنوان قربانی گناه ذبح کند. <sup>34</sup>کاهن با انگشت خود قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه قربانی سوختی بمالد و بقیه خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>35</sup>پیه آن مثل پیه بره قربانی سلامتی روی قربانگاه سوزانده شود. کاهن آن را مانند قربانی‌هایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بسوزاند. به این ترتیب کاهن گناه آن شخص را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

### موارد قربانی گناه

هرگاه کسی از وقوع جرمی اطلاع داشته باشد ولی در مورد آنچه که دیده یا شنیده در دادگاه شهادت ندهد، مجرم است.

<sup>2</sup>هرگاه کسی لاشه حیوان حرام گواشتی را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، نجس و مجرم است.

آتش قربانگاه خاموش نشود.<sup>10</sup> صبح روز بعد، کاهن لباس زیر و لباس کتانی خود را بپوشد و خاکستر قربانی سوختنی را برداشته، کنار قربانگاه بگذارد.<sup>11</sup> سپس لباسش را عوض کند و خاکستر را بیرون اردوگاه ببرد و در مکان طاهری که برای این کار مقرر شده است، بریزد.<sup>12، 13</sup> کاهن هر روز صبح هیزم تازه بر آن بنهد و قربانی سوختنی روزانه را روی آن بگذارد و پیه قربانی سلامتی را بر آن بسوزاند. آتش قربانگاه باید همیشه روشن بماند و خاموش نشود.

### مقررات هدیه آردی

<sup>14</sup> مقررات مربوط به هدیه آردی از این قرار است: کاهن برای تقدیم هدیه آردی به خداوند جلو قربانگاه بایستد،<sup>15</sup> سپس مشتی از آرد مرغوب آغشته به روغن زیتون را با کندری که بر آن است بردارد و بعنوان نمونه برای خداوند روی قربانگاه بسوزاند. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود.<sup>16، 17</sup> بقیه آرد، متعلق به کاهنان می‌باشد تا از آن برای خوراک خود استفاده کنند. این آرد باید بدون خمیرمایه پخته شود و در حیاط عبادتگاه که مکان مقدسی است خورده شود. این قسمت از هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، خداوند به کاهنان داده است. مانند قربانی گناه و قربانی جبران، این قسمت از هدیه آردی نیز بسیار مقدس می‌باشد.<sup>18</sup> پسران هارون نسل اندر نسل می‌توانند این قسمت از هدیه را بخورند. این هدیه که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، همیشه سهم کاهنان خواهد بود و کس دیگری حق ندارد به آن دست بزند.

<sup>19، 20</sup> خداوند همچنین این دستورات را به موسی داد: هارون و هر کدام از پسرانش در روزی که برای مقام کاهنی انتصاب می‌شوند باید یک کیلو آرد مرغوب، به اندازه هدیه آردی روزانه به حضور خداوند بیاورند و نصف آن را در صبح و نصف دیگر را در عصر به خداوند تقدیم کنند.<sup>21</sup> این هدیه باید روی ساج با روغن زیتون پخته شود سپس نکهت‌که شده، بعنوان هدیه آردی به خداوند تقدیم

است سهواً قصور ورزد، باید یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی جبران به خداوند تقدیم نماید. قوچی که برای قربانی جبران اهدا می‌شود باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود.<sup>16</sup> او باید علاوه بر باز پرداخت هدیه، یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، همه را به کاهن بدهد. کاهن با آن قوچ قربانی جبران، برایش کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

<sup>17، 18</sup> اگر کسی مرتکب گناهی شده، یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارد، ولی نداند که چنین کاری از او سرزده است، باز مجرم است و برای قربانی جبران باید یک قوچ سالم و بی‌عیب نزد کاهن بیاورد. قیمت قوچ باید مطابق قیمت تعیین شده باشد. کاهن با این قربانی برای او کفاره کند تا گناهش بخشیده شود.<sup>19</sup> این قربانی جبران است برای جرمی که او نسبت به خداوند مرتکب شده است.

6 خداوند این دستورات را به موسی داد: هرگاه کسی نسبت به من گناه کرده، از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته شده خودداری نماید یا در امانت خیانت ورزد، یا دزدی کند یا مال همسایه‌اش را غصب نماید، و یا اینکه درباره چیز گمشده‌ای که پیدا کرده است دروغ بگوید و قسم بخورد که پیش او نیست،<sup>49</sup> روزی که جرم او ثابت شود باید اصل مال را پس دهد و یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، به صاحب مال بپردازد.<sup>6</sup> او باید قربانی جبران را که یک قوچ سالم و بی‌عیب است نزد کاهن به خیمه عبادت بیاورد و به خداوند تقدیم کند. قوچ باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود. کاهن با این قربانی برای او در حضور خداوند کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

### مقررات قربانی سوختنی

<sup>38</sup> آنگاه خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی سوختنی این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: قربانی سوختنی باید تمام شب بر قربانگاه باشد و

جای مقدسی خورده شود. این قربانی، بسیار مقدس است.

<sup>7</sup>قانونی که باید در مورد قربانی گناه و قربانی جبران رعایت شود این است: گوشت قربانی به کاهنی تعلق دارد که مراسم کفاره را اجرا می‌کند. <sup>8</sup>(در ضمن پوست قربانی سوختنی نیز به آن کاهن تعلق دارد.) <sup>9</sup>هر هدیه آردی که در تنور یا در تابه یا روی ساج پخته می‌شود به کاهنی تعلق خواهد گرفت که آن را به خداوند تقدیم می‌کند. <sup>10</sup>تمام هدایای آردی دیگر، خواه مخلوط با روغن زیتون و خواه خشک، بطور مساوی به پسران هارون تعلق دارد.

### مقررات قربانی سلامتی

<sup>11</sup>مقررات قربانی سلامتی که به خداوند تقدیم می‌شود از این قرار است: <sup>12</sup>اگر قربانی به منظور شکرگزاری باشد، همراه آن باید این نانهای بدون خمیرمایه نیز تقدیم شود قرصهای نان که با روغن زیتون مخلوط شده باشد، نانهای نازک که روغن مالی شده باشد، نانهایی که از مخلوط آرد مرغوب و روغن زیتون تهیه شده باشد. <sup>13</sup>در ضمن همراه قربانی باید قرصهای نان خمیرمایه‌دار نیز تقدیم شود. <sup>14</sup>از هر نوع نان باید یک قسمت بعنوان هدیه مخصوص به خداوند تقدیم شود تا به کاهنی تعلق گیرد که خون حیوان قربانی را روی قربانگاه می‌پاشد. <sup>15</sup>گوشت حیوان قربانی سلامتی باید در روزی که بعنوان هدیه شکرگزاری تقدیم می‌گردد، خورده شود و چیزی از آن برای روز بعد باقی نماند.

<sup>16</sup>اگر قربانی، داوطلبانه یا نذری باشد، گوشت قربانی در روزی که آن را تقدیم می‌کنند، خورده شود. اگر از گوشت قربانی چیزی باقی بماند می‌توان آن را روز بعد نیز خورد. <sup>17</sup><sup>18</sup>ولی هر چه تا روز سوم باقی بماند، باید سوزاند. اگر در روز سوم چیزی از گوشت قربانی خورده شود، خداوند آن قربانی را قبول نخواهد کرد و به حساب نخواهد آورد زیرا آن گوشت نجس شده است. کسی هم که

گردد. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. <sup>23</sup><sup>22</sup>هر کاهنی که بجای پدر خود، کاهن اعظم می‌شود باید در روز انتصاب خود همین هدیه را تقدیم کند. این فریضه‌ای ابدی است. این هدیه باید تماماً در حضور خداوند سوزانده شود و چیزی از آن خورده نشود.

### مقررات قربانی گناه

<sup>25</sup><sup>24</sup>خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی گناه این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: این قربانی بسیار مقدس است و باید در حضور خداوند در جایی ذبح شود که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند. <sup>26</sup>کاهنی که قربانی را تقدیم می‌کند، گوشت آن را در حیاط عبادتگاه که جای مقدسی است، بخورد. <sup>27</sup>فقط کسانی که تقدیس شده‌اند، یعنی کاهنان، اجازه دارند به این گوشت دست بزنند. اگر خون آن قربانی به لباس ایشان بیفتد باید لباس خود را در مکانی مقدس بشویند. <sup>28</sup>طرف سفالینی که گوشت در آن پخته می‌شود باید شکسته شود. اگر گوشت در یک ظرف مسی پخته شده باشد باید آن ظرف را کاملاً تمیز کنند و با آب بشویند. <sup>29</sup>اولاد نکور کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این قربانی بسیار مقدس است. <sup>30</sup>اما در مواردی که خون قربانی گناه برای کفاره در قدس به داخل خیمه عبادت برده می‌شود، گوشت قربانی را نباید خورد بلکه باید تماماً سوزاند.

### مقررات قربانی جبران

7 مقررات قربانی جبران که قربانی بسیار مقدسی است، از این قرار می‌باشد: <sup>2</sup>حیوان قربانی باید در مکانی که قربانی سوختنی را سر می‌برند، ذبح شود و خونش بر چهار طرف قربانگاه پاشیده شود. <sup>3</sup>کاهن تمام پیه آن را که شامل دنبه و پیه داخل شکم، <sup>4</sup>و نیز قلوه‌ها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر می‌شود روی قربانگاه بگذارد. <sup>5</sup>سپس، او همه آنها را بعنوان قربانی جبران بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزاند. <sup>6</sup>پسران کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این گوشت باید در

انتصاب هارون و پسرانش به خدمت خداوند، به ایشان داده شد.<sup>36</sup> در روزی که ایشان مسح شدند، خداوند دستور داد که قوم اسرائیل این قسمت را به ایشان بدهند. این، قانونی برای تمام نسلهای ایشان می‌باشد.

<sup>37,38</sup> اینها مقرراتی بود در مورد قربانی سوختنی، هدیه آردی، قربانی گناه، قربانی جبران، قربانی تقدیس و قربانی سلامتی که خداوند در بیابان، در کوه سینا به موسی داد تا قوم اسرائیل بدانند چگونه قربانی‌های خود را به خداوند تقدیم کنند.

### مراسم تقدیس هارون و پسرانش

(خروج 29: 1-37)

8 خداوند به موسی فرمود: «هارون و پسرانش را با لباس‌های مخصوص ایشان و روغن تدهین، گوساله<sup>8</sup> قربانی گناه، دو قوچ و یک سبب نان بدون خمیرمایه دم در خیمه<sup>9</sup> عبادت بیاور و تمام قوم اسرائیل را در آنجا جمع کن.»

<sup>4</sup> موسی طبق فرمان خداوند عمل کرد. همه<sup>4</sup> قوم اسرائیل دم در خیمه<sup>9</sup> عبادت جمع شدند. موسی به ایشان گفت: «آنچه اکنون انجام می‌دهم طبق فرمان خداوند است.»

<sup>6</sup> آنگاه موسی، هارون و پسرانش را فراخواند و ایشان را با آب غسل داد. <sup>7</sup> پیراهن مخصوص کاهنی را به هارون پوشانید و کمربند را به کمرش بست. سپس ردا را بر تن او کرد و ایفود<sup>7</sup> را بوسیله<sup>8</sup> بند کمر آن بر او بست. <sup>8</sup> بعد سینه‌بند را بر او بست و اوریم و ثمیم<sup>8</sup> را در آن گذاشت، <sup>9</sup> و چنانکه خداوند فرموده بود، عامه را بر سر هارون نهاد و نیم تاج مقدس را که از طلا بود جلو عامه نصب کرد.

<sup>10</sup> آنگاه موسی روغن مسح را گرفت و آن را بر خیمه<sup>9</sup> عبادت و هر چیزی که در آن بود پاشید و آنها را تقدیس نمود. <sup>11</sup> سپس مقداری از روغن را برداشت و

آن را بخورد مجرم می‌باشد. <sup>19</sup> گوشتی را که به چیزی نجس خورده است نباید خورد، بلکه باید آن را سوزاند.

گوشت قربانی را فقط کسانی می‌توانند بخورند که طاهر هستند. <sup>20</sup> هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را بخورد باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است. <sup>21</sup> هر کس به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس و یا هر چیز نجس دیگر، و بعد از گوشت قربانی سلامتی بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است.

<sup>22,23</sup> خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هرگز پیه گاو و گوسفند و بز را نخورید. <sup>24</sup> پیه حیوانی که مرده یا توسط جانوری دریده شده باشد هرگز خورده نشود بلکه از آن برای کارهای دیگر استفاده شود. <sup>25</sup> هر کس پیه حیوانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود بخورد باید از میان قوم طرد شود. <sup>26,27</sup> هرگز خون نخورید، نه خون پرنده و نه خون حیوان چهارپا. هر کس، در هر جا، خون بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود.

### سهم کاهن از قربانی

<sup>28,29,30</sup> خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هر کس بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند باید با دست خود آن قربانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بیاورد. پیه و سینه را جلو قربانگاه تقدیم کند و سینه<sup>9</sup> قربانی را بعنوان هدیه<sup>9</sup> مخصوص، در حضور خداوند تکان دهد. <sup>31</sup> کاهن پیه را بر قربانگاه بسوزاند، ولی سینه<sup>9</sup> قربانی متعلق به هارون و پسرانش باشد. <sup>32,33</sup> ران راست قربانی، بعنوان هدیه<sup>9</sup> مخصوص، به کاهنی داده شود که خون و پیه قربانی را تقدیم می‌کند؛ <sup>34</sup> زیرا خداوند سینه و ران قربانی سلامتی را از قوم اسرائیل گرفته و آنها را بعنوان هدیه<sup>9</sup> مخصوص به کاهنان داده است و همیشه به ایشان تعلق خواهد داشت. <sup>35</sup> (این قسمت از هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود در روز

\* «ایفود» حلیقه<sup>7</sup> مخصوصی بود که کاهن روی لباسهای خود می‌پوشید.  
\*\* اوریم و ثمیم دو شیء بودند که جهت پی‌بردن به خواست خدا، بوسیله کاهن بکار می‌رفتند.

آن را هفت مرتبه بر قربانگاه، لوازم آن، حوض و پایه‌اش پاشید و آنها را نیز تقدیس کرد.<sup>12</sup> بعد قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخت و به این ترتیب او را برای خدمت کاهنی تقدیس نمود.<sup>13</sup> سپس موسی به امر خداوند پسران هارون را فراخواند و پیراهن‌ها را به آنان پوشانید و کمربندها را به کمرشان بست و کلاه‌ها را بر سرشان گذاشت.

<sup>14</sup> بعد گوسالهٔ قربانی گناه را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.<sup>15</sup> موسی گوساله را ذبح کرد و قدری از خون آن را با انگشت بر چهار شاخ قربانگاه مالید تا آن را طاهر سازد. باقیماندهٔ خون را به پای قربانگاه ریخت. به این ترتیب قربانگاه را تقدیس کرده، برای آن کفاره نمود.<sup>16</sup> سپس تمام پیه داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها را گرفت و همه را روی قربانگاه سوزانید،<sup>17</sup> و همانطور که خداوند فرموده بود، لاشه و پوست و سرگین گوساله را در خارج از اردوگاه سوزانید.

<sup>18</sup> بعد قوچ قربانی سوختنی را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.<sup>19</sup> موسی قوچ را ذبح کرد و خونس را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.<sup>20</sup> سپس لاشهٔ قوچ را قطعه‌قطعه کرد و آنها را با کله و پیه حیوان سوزانید.<sup>21</sup> دل و روده و پاچه‌ها را با آب شست و آنها را نیز بر قربانگاه سوزانید. پس همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود تمام آن قوچ بر قربانگاه سوزانده شد. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم شد، مورد پسند خداوند بود.

<sup>22</sup> پس از آن موسی قوچ دوم را که برای تقدیس کاهنان بود جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.<sup>23</sup> موسی قوچ را ذبح کرده، قدری از خونس را بر نرمه گوش راست هارون و شست دست راست او و شست پای راستش مالید.<sup>24</sup> بعد قدری از خون را بر نرمه گوش راست و شست دست راست و شست پای راست پسران هارون مالید. بقیهٔ خون را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.

آن وقت موسی به هارون و پسرانش گفت: «همانطور که خداوند فرموده است، گوشت را دم در خیمهٔ عبادت بپزید و در آنجا آن را با نان مراسم تقدیس که در سبد است، بخورید.<sup>32</sup> هر چه از گوشت و نان باقی ماند باید سوزانده شود.<sup>33</sup> هفت روز از در خیمهٔ عبادت بیرون نروید تا روزهای تقدیستان سپری شود، زیرا مراسم تقدیس شما هفت روز طول می‌کشد.<sup>34</sup> آنچه امروز انجام شد به فرمان خداوند بود تا به این ترتیب برای گناه شما کفاره داده شود.<sup>35</sup> شما باید هفت شبانه روز دم در خیمهٔ عبادت بمانید و آنچه را که خداوند فرموده است انجام دهید و گر نه خواهید مرد. این دستور خداوند است.»

<sup>36</sup> بنابراین هارون و پسرانش هر چه را که خداوند توسط موسی امر فرموده بود، انجام دادند.



## تقدیم قربانی توسط کاهنان

9

در روز هشتم، موسی، هارون و پسرانش را با بزرگان قوم اسرائیل جمع کرد<sup>2</sup> و به هارون گفت: «یک گوساله<sup>3</sup> نر سالم و بی‌عیب برای قربانی گناه و یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی سوختی بگیر و آنها را به حضور خداوند تقدیم کن. <sup>3</sup>بعد به قوم اسرائیل بگو که یک بزغاله<sup>4</sup> نر برای قربانی گناه خود و یک گوساله<sup>5</sup> و یک بره که هر دو یک ساله و بی‌عیب باشند برای قربانی سوختی بیاورند. <sup>4</sup>علاوه بر اینها قوم اسرائیل باید یک گاو و یک قوچ برای قربانی سلامتی، و آرد مخلوط با روغن زیتون برای هدیه<sup>6</sup> آردی به خداوند تقدیم کنند زیرا امروز خداوند بر ایشان ظاهر خواهد شد.»

<sup>5</sup>پس قوم آنچه را که موسی امر فرموده بود، جلو خیمه<sup>7</sup> عبادت آوردند و تمام جماعت نزدیک شده، در حضور خداوند ایستادند.

<sup>6</sup>موسی به ایشان گفت: «خداوند فرموده دستورات او را انجام دهید تا حضور پر جلال خود را بر شما ظاهر کند.»

<sup>7</sup>آنگاه موسی به هارون گفت: «بزیدک قربانگاه بیا و همانطور که خداوند فرموده است قربانی گناه و قربانی سوختی خود را تقدیم کرده، برای خود کفاره کن و سپس قربانی‌های قوم را تقدیم نموده، برای آنها کفاره نما.»

<sup>8</sup>بنابراین هارون نزدیک قربانگاه رفت و گوساله<sup>9</sup> قربانی گناه خود را ذبح کرد. <sup>9</sup>پسرانش خون گوساله را پیش وی آوردند و او انگشت خود را در خون فرو برد و بر شاخهای قربانگاه مالید و بقیه<sup>10</sup> خون را به پای قربانگاه ریخت. <sup>10</sup>بعد همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود، پیه، قلوه‌ها و سفیدی روی جگر قربانی گناه را بر قربانگاه، <sup>11</sup>و گوشت و پوست آن را بیرون از اردوگاه سوزانید.

<sup>12</sup>پس از آن هارون قربانی سوختی را ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را آوردند و هارون آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید. <sup>13</sup>ایشان کله و قطعه‌های دیگر حیوان را نزد هارون آوردند و او آنها را بر

قربانگاه سوزانید. <sup>14</sup>دل و روده و پاچه‌ها را شست و اینها را نیز بعنوان قربانی سوختی بر قربانگاه سوزانید.

<sup>15</sup>سپس هارون قربانی قوم اسرائیل را تقدیم کرد. او بز قربانی گناه قوم را ذبح نموده، آن را مانند قربانی گناه خود برای گناه قوم تقدیم کرد. <sup>16</sup>آنگاه مطابق مقررات، قربانی سوختی ایشان را به خداوند تقدیم نمود. <sup>17</sup>بعد هدیه<sup>18</sup> آردی را آورد و مثنی از آن را گرفت و بر قربانگاه سوزانید. (این قربانی غیر از قربانی سوختی‌ای بود که هر روز صبح تقدیم می‌شد).

<sup>18</sup>پس از آن هارون گاو و قوچ را بعنوان قربانی سلامتی قوم ذبح کرد. پسران هارون خون قربانی را نزد او آوردند و او آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید. <sup>19</sup>سپس پیه گاو و قوچ را که شامل پیه داخل شکم و قلوه‌ها و سفیدی روی جگر گاو و قوچ می‌شد، گرفت <sup>20</sup>و آنها را روی سینه‌های حیوان گذاشته، نزدیک قربانگاه آورد و تمام پیه را روی قربانگاه سوزانید. <sup>21</sup>همانطور که موسی دستور داده بود، هارون سینه‌ها، و رانه‌های راست حیوان را بعنوان هدیه<sup>22</sup> مخصوص در حضور خداوند تکان داد.

<sup>22</sup>پس از تقدیم قربانی‌ها، هارون دستهای خود را بطرف قوم اسرائیل دراز کرده، ایشان را برکت داد و از قربانگاه به زیر آمد. <sup>23</sup>موسی و هارون به خیمه<sup>24</sup> عبادت رفتند. وقتی از آنجا بیرون آمدند قوم اسرائیل را برکت دادند. آنگاه حضور پر جلال خداوند بر تمام جماعت ظاهر شد <sup>24</sup>و از حضور خداوند آتش فرود آمده، قربانی سوختی و پیه روی قربانگاه را بلعید. بنی اسرائیل وقتی این را دیدند، فریاد برآورده، در حضور خداوند به خاک افتادند.

## گناه ناداب و ابیهو

10

ناداب و ابیهو، پسران هارون، برخلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهاده، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند. <sup>2</sup>آنگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همانجا، در حضور خداوند مردند.

<sup>3</sup>آنگاه موسی به هارون گفت: «منظور خداوند همین بود وقتی فرمود: کسانی که مرا خدمت می‌کنند باید

سلامتی قوم اسرائیل می‌باشد به شما و فرزندان‌تان داده شده است.

<sup>15</sup> «بنی اسرائیل باید ران و سینه را هنگام تقدیم بیه بر آتش، بیاورند و بعنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان دهند. آن ران و سینه همیشه به شما و فرزندان‌تان تعلق خواهد داشت، همانطور که خداوند فرموده است.»

<sup>16</sup> موسی سراغ بز قربانی گناه را گرفت، ولی پی‌برد که سوزانده شده است. پس بر العازار و ایتمار خشمگین شده، گفت: <sup>17</sup> «چرا قربانی گناه را در مکان مقدس خوردید؟ این قربانی، بسیار مقدس می‌باشد و خدا آن را به شما داده است تا گناه قوم اسرائیل را در حضور خداوند کفاره نماید. <sup>18</sup> چون خون آن به داخل قدس برده نشد، باید حتماً آن را در محوطه عبادتگاه می‌خوردید، بطوری که به شما دستور داده بودم.»

<sup>19</sup> ولی هارون به موسی گفت: «با وجودی که ایشان قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را به حضور خداوند تقدیم کردند این واقعه هولناک برای من پیش آمد. حال اگر از گوشت قربانی گناه می‌خوریم، آیا خداوند خشنود می‌شد؟» <sup>20</sup> موسی وقتی این را شنید، قانع شد.

### حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت

(تثیه 14: 3-21)

خداوند به موسی و هارون فرمود که این **11** دستورات را به قوم اسرائیل بدهند: هر حیوانی که شکافته سم باشد و نشخوار کند حلال گوشت است. <sup>4-7</sup> ولی گوشت شتر، گورکن و خرگوش را نباید خورد، زیرا این حیوانات هر چند نشخوار می‌کنند اما شکافته سم نیستند؛ همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد، زیرا هر چند شکافته سم است اما نشخوار نمی‌کند. <sup>8</sup> پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است.

<sup>9</sup> از حیواناتی که در آب زندگی می‌کنند چه در رودخانه باشند و چه در دریا آنهایی را می‌توانید

حرمت قدوسیت مرا نگاه دارند تا تمام قوم، مرا احترام کنند.» پس هارون خاموش ماند.

<sup>4</sup> بعد موسی، میشائیل و الصافان (پسران عزرائیل، عموی هارون) را صدا زد و به ایشان گفت: «بروید و اجساد را از داخل خیمه عبادت بردارید و به خارج از اردوگاه ببرید.»

<sup>5</sup> آنها رفتند و همانطور که موسی گفته بود ایشان را در پیراهنهای کهنشان از اردوگاه بیرون بردند.

<sup>6</sup> آنگاه موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتمار گفت: «عزاداری ننمایید، موی سرتان را ژولیده نکنید و گریبان لباس خود را چاک نزنید. اگر عزاداری کنید خدا شما را نیز هلاک خواهد کرد و خشم او بر تمام قوم اسرائیل افروخته خواهد شد. ولی بنی اسرائیل می‌توانند برای ناداب و ابیهو که در اثر آتش هولناک خداوند مردند، عزاداری نمایند. <sup>7</sup> شما از در خیمه عبادت بیرون نروید مبدا بمیرید، چون روغن مسح خداوند بر شماست.» ایشان طبق دستور موسی عمل کردند.

<sup>8,9</sup> آنگاه خداوند به هارون گفت: «وقتی به خیمه عبادت می‌روید، هرگز شراب یا مشروبات مست کننده دیگر ننوشید مبدا بمیرید. این قانونی است دایمی برای تو و پسرانت و تمام نسل‌های آینده‌ات. <sup>10</sup> شما باید فرق بین مقدس و نامقدس، و نجس و طاهر را تشخیص دهید. <sup>11</sup> باید تمام دستورات مرا که توسط موسی به قوم اسرائیل داده‌ام، به ایشان بیاموزید.»

<sup>12</sup> سپس موسی به هارون و دو پسر بازمانده‌اش، العازار و ایتمار گفت: «بایمانده هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم شده است بردارید و از آن، نان بدون خمیرمایه پخته، در کنار قربانگاه بخورید زیرا این هدیه، بسیار مقدس است. <sup>13</sup> چنانکه خداوند به من فرموده است باید این را در جای مقدسی بخورید زیرا این سهم شما و پسرانتان از هدیه‌ای است که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود. <sup>14</sup> شما و پسران و دخترانتان می‌توانید سینه و ران هدیه مخصوص را که در حضور خداوند تکان داده می‌شود، در مکان طاهری بخورید. این هدایا که سهم شما از قربانی

خواهد شد و هر آشامیدنی هم که در چنین ظرفی باشد، نجس خواهد بود.

<sup>35</sup>اگر لاشه‌ی یکی از این جانوران روی تنور یا اجاقی بیفتد، آن تنور یا اجاق شرعاً نجس خواهد شد و باید آن را شکست. <sup>36</sup>اما اگر لاشه در چشمه یا آب انباری بیفتد، چشمه یا آب انبار نجس نخواهد شد ولی کسی که لاشه را بیرون می‌آورد نجس خواهد شد. <sup>37</sup><sup>38</sup>اگر لاشه روی دانه‌هایی که قرار است کاشته شود بیفتد آن دانه‌ها نجس نخواهند شد، ولی اگر روی دانه‌های خیس کرده بیفتد دانه‌ها نجس خواهند گردید.

<sup>39</sup>اگر حیوان حلال گوشتی بمیرد، هرکس لاشه‌ی آن را لمس کند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>40</sup>همچنین اگر کسی گوشت آن را بخورد و یا لاشه‌ی آن را جابجا کند باید لباس خود را بشوید و او تا غروب نجس خواهد بود.

<sup>41</sup><sup>42</sup>جانورانی که روی زمین می‌خزند، چه آنهایی که دست و پا ندارند و چه آنهایی که چهار دست و پا و یا پاهای زیاد دارند، حرامند و نباید خورده شوند. <sup>43</sup>بنا بر آنها خود را نجس نسازید. <sup>44</sup>من خداوند، خدای شما هستم. خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من مقدس هستم. پس با این جانورانی که روی زمین می‌خزند خود را نجس نکنید. <sup>45</sup>من همان خداوندی هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. بنابراین باید مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم.

<sup>46</sup>این قوانین را باید در مورد حیوانات، پرندگان، جانوران آبی و خزندگان رعایت کنید. <sup>47</sup>باید در میان حیوانات نجس و طاهر، حرام گوشت و حلال گوشت، تفاوت قائل شوید.

### طهارت بعد از زایمان

خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هرگاه زنی پسری **12** بزاید، آن زن تا مدت هفت روز شرعاً نجس خواهد بود، همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. <sup>3</sup>روز هشتم، پسرش باید ختنه شود. <sup>4</sup>آن زن

بخورید که باله و فلس داشته باشند. <sup>10</sup>تمام جانوران آبی دیگر برای شما حرامند؛ <sup>11</sup>نه گوشت آنها را بخورید و نه به لاشه آنها دست بزنید. <sup>12</sup>باز تکرار می‌کنم، هر جانور آبی که باله و فلس نداشته باشد برای شما حرام است.

<sup>13</sup><sup>19</sup>از میان پرندگان اینها را نباید بخورید: عقاب، جغد، باز، شاهین، لاشخور، کرکس، کلاغ، شترمرغ، مرغ دریایی، لک‌لک، مرغ ماهی‌خوار، مرغ سقا، قرقاز، هدهد و خفاش.

<sup>20</sup>حشرات بالدار نباید خورده شوند، <sup>21</sup><sup>22</sup>بجز آنهایی که می‌جهند، یعنی ملخ و انواع گوناگون آن. اینها را می‌توان خورد. <sup>23</sup>اما سایر حشرات بالدار برای شما حرامند.

<sup>24</sup>هر کس به لاشه این حیوانات حرام گوشت دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>25</sup>هرکس لاشه آنها را بردارد باید لباسش را بشوید؛ او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.

<sup>26</sup>اگر به حیوانی دست بزنید که سمش کاملاً شکافته نباشد و یا نشخوار نکند، شرعاً نجس خواهید بود، زیرا حرام گوشت هستند. <sup>27</sup>هر حیوان چهارپا که روی پنجه راه رود خوردنش حرام است. هرکس به لاشه چنین حیوانی دست بزند تا غروب نجس خواهد بود. <sup>28</sup>هرکس لاشه آن را بردارد تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید. این حیوانات برای شما حرام هستند.

<sup>29</sup><sup>30</sup>موش کور، موش صحرایی، موش خانگی و انواع مارمولک حرامند و نباید خورده شوند. <sup>31</sup>هرکس به لاشه این جانوران دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>32</sup>اگر لاشه آنها روی شی‌ای که از جنس چوب، پارچه، چرم یا گونی باشد بیفتد آن شی شرعاً نجس خواهد شد؛ باید آن را در آب بگذارید و آن تا غروب نجس خواهد بود ولی بعد از آن، می‌توان دوباره آن را بکار برد. <sup>33</sup>اگر لاشه یکی از این جانوران در یک ظرف سفالین بیفتد، هر چیزی که در ظرف باشد نجس خواهد بود و باید ظرف را شکست. <sup>34</sup>اگر آب چنین ظرفی روی خوراکی ریخته شود آن خوراک نیز شرعاً نجس

باشد، آنوقت کاهن باید هفت روز دیگر هم او را از مردم جدا نگه دارد.<sup>6</sup> روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر نشانه‌های مرض کمتر شده و لکه بزرگ نشده باشد، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام کند، چون یک زخم معمولی بوده است. کافی است آن شخص لباس‌هایش را بشوید تا شرعاً طاهر شود.<sup>7</sup> ولی اگر پس از آنکه کاهن او را طاهر اعلام کرد، آن لکه بزرگ شود، باید دوباره نزد کاهن بیاید.<sup>8</sup> کاهن باز به آن نگاه کند، اگر لکه بزرگ شده باشد آنوقت او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.<sup>9</sup> شخصی را که گمان می‌رود مرض جذام دارد باید نزد کاهن بیاورند<sup>10</sup> و کاهن او را معاینه کند. اگر آماس چرکی سفیدی در پوست باشد و موهای روی آن نیز سفید شده باشد،<sup>11</sup> این جذام مزمن است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. دیگر نباید او را برای معاینات بیشتر نگه داشت، چون مرض وی قطعی است.<sup>12</sup> ولی اگر کاهن دید که مرض جذام پخش شده و بدنش را از سر تا پا پوشانیده است، آنوقت کاهن باید اعلام کند که او طاهر است چون تمام بدنش سفید شده است.<sup>13</sup> ولی اگر در جایی از بدنش زخم بازی باشد، او را باید شرعاً نجس اعلام کند چون زخم باز نشانه جذام است.<sup>16</sup> اما اگر آن زخم باز سفید شود آن شخص باید نزد کاهن باز گردد. کاهن آن را معاینه کند و اگر زخم سفید شده باشد، آنگاه او را طاهر اعلام کند.

<sup>18</sup> اگر در پوست بدن کسی دملی به وجود بیاید و پس از مدتی خوب بشود،<sup>19</sup> ولی در جای آن، آماسی سفید یا لکه‌ای سفید مایل به سرخ باقی مانده باشد، آن شخص باید برای معاینه نزد کاهن برود.<sup>20</sup> اگر کاهن دید که لکه عمیق‌تر از پوست است و موهایی که در آن است سفید شده است، آنوقت باید او را نجس اعلام کند چون مرض جذام از آن دمل بیرون زده است.<sup>21</sup> ولی اگر کاهن ببیند که موهای سفیدی در لکه نیست و لکه نیز عمیق‌تر از پوست نیست و رنگ آن هم روشن‌تر شده است، آنوقت کاهن او را هفت روز از مردم جدا نگه دارد.<sup>22</sup> اگر در آن مدت لکه بزرگ شد کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام

باید مدت سی و سه روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر گردد. در این مدت او نباید به چیز مقدسی دست بزند و یا وارد عبادتگاه شود.

<sup>5</sup> هرگاه زنی دختری بزاید، آن زن تا دو هفته شرعاً نجس خواهد بود همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر شود.

<sup>6</sup> وقتی مدت طهارت تمام شد، نوزاد، خواه پسر باشد خواه دختر، مادرش باید یک بره یک ساله برای قربانی سوختنی و یک جوجه کبوتر یا قمری برای قربانی گناه تقدیم کند.

این هدایا را باید دم در خیمه عبادت نزد کاهن بیاورد. کاهن آنها را برای خداوند قربانی نموده، برای مادر کفاره کند. آنوقت او از خونریزی زایمان طاهر خواهد شد. این است آنچه یک زن بعد از زایمان باید انجام دهد.

<sup>8</sup> ولی اگر آن زن فقیرتر از آن باشد که بتواند یک بره قربانی کند، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد. یکی برای قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی گناه. کاهن باید با تقدیم این قربانی‌ها برایش کفاره کند تا دوباره طاهر شود.

### قوانین مربوط به جذام

خداوند این قوانین را به موسی و هارون

**13** داد:

<sup>2</sup> اگر روی پوست بدن شخصی دمل، جوش یا لکه برافی مشاهده شود، باید وی را نزد هارون یا یکی از کاهنان نسل او بیاورند، چون احتمال دارد آن شخص مبتلا به جذام باشد.<sup>3</sup> کاهن لکه را معاینه خواهد کرد. اگر موهایی که در لکه است سفید شده باشد و اگر آن لکه از پوست عمیق‌تر باشد پس مرض جذام است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.

<sup>4</sup> اگر لکه روی پوست سفید باشد اما عمیق‌تر از پوست نباشد و موهایی که در لکه است سفید نشده باشد، کاهن باید او را تا هفت روز جدا از دیگران نگه دارد.<sup>5</sup> هر روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر آن لکه تغییر نکرده باشد و بزرگ نیز نشده

<sup>37</sup>ولی اگر معلوم شود که لکه تغییری نکرده و موهای سیاهی نیز در آن دیده می‌شود، پس او شفا یافته و جذامی نیست و کاهن باید او را شرعاً طاهر اعلام کند.

<sup>38</sup>اگر مرد با زنی لکه‌های سفیدی روی پوست بدنش داشته باشد <sup>39</sup>کاهن باید او را معاینه کند. اگر این لکه‌ها سفید کم‌رنگ باشند، این یک لکه معمولی است که در پوست بروز کرده است. بنابراین آن شخص طاهر است.

<sup>40,41</sup>اگر موی سر مردی در جلو یا عقب سرش ریخته باشد، این نشانه جذام نیست، <sup>42</sup>اما چنانچه در سر طاس او لکه سفید مایل به سرخی وجود داشته باشد، ممکن است جذام باشد که از آن بیرون زده است. <sup>43,44</sup>در آئین کاهن باید او را معاینه کند. اگر روی سر او آماس سفید مایل به سرخ باشد، او جذامی است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.

<sup>45</sup>وقتی معلوم شود کسی جذامی است، او باید لباس پاره بپوشد و بگذارد موهایش ژولیده بماند و قسمت پایین صورت خود را پوشانیده، درحین حرکت فریاد بزند: «جذامی! جذامی!» <sup>46</sup>تا زمانی که مرض باقی باشد، او شرعاً نجس است و باید بیرون از اردوگاه، تنها بسر برد.

<sup>47,48</sup>اگر گمان رود که مرض جذام\* به لباس یا پارچه پشمی یا کتانی و یا یک تکه چرم یا شی چرمی سرایت کرده، <sup>49</sup>زیرا لکه‌های مایل به سبز یا قرمز در آن دیده می‌شود، باید آن را به کاهن نشان داد. <sup>50</sup>کاهن لکه را ببیند و آن پارچه یا شی را مدت هفت روز نگاه دارد <sup>51</sup>و روز هفتم دوباره به آن نگاه کند. اگر لکه پخش شده باشد، این مرض، جذام مسری است و آن پارچه یا شی نجس می‌باشد، <sup>52</sup>و کاهن باید آن را بسوزاند، چون جذام مسری در آن است و باید بوسیله آتش آن را از بین برد. <sup>53</sup>ولی اگر لکه پخش نشده باشد، <sup>54</sup>کاهن باید دستور دهد که شی مظنون شسته شود و هفت روز دیگر آن را نگاه دارند. <sup>55</sup>اگر بعد از آن مدت، رنگ لکه تغییر نکرد، هر چند پخش هم نشده

کند، زیرا این جذام است. <sup>53</sup>ولی اگر لکه بزرگ نشد، این لکه فقط جای دمل است و کاهن باید او را طاهر اعلام نماید.

<sup>24</sup>اگر کسی دچار سوختگی شود و در جای سوختگی لکه سفید یا سفید مایل به سرخ وجود آید، <sup>25</sup>آنوقت کاهن باید لکه را معاینه کند. اگر موهای روی آن لکه سفید شده و جای سوختگی عمیقتر از پوست بدن باشد، این مرض جذام است که در اثر سوختگی بروز کرده و کاهن باید او را نجس اعلام کند. <sup>26</sup>ولی اگر کاهن ببیند که درلکه، موهای سفیدی نیست و لکه عمیقتر از پوست بدن به نظر نمی‌آید و کم‌رنگ می‌شود، کاهن باید هفت روز او را از مردم جدا نگه داشته، <sup>27</sup>روز هفتم دوباره او را معاینه کند. اگر لکه بزرگ شده باشد، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است. <sup>28</sup>ولی اگر لکه بزرگ نشده و کم‌رنگ شده باشد، این فقط جای سوختگی است و کاهن باید اعلام نماید که او شرعاً طاهر است، زیرا این لکه فقط جای سوختگی است.

<sup>29,30</sup>اگر مردی یا زنی روی سر یا چانه‌اش لکه‌ای داشته باشد، کاهن باید او را معاینه کند. اگر به نظر آید که لکه عمیقتر از پوست است و موهای زرد و باریکی در لکه پیدا شود، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این، جذام است. <sup>31</sup>ولی اگر معاینه کاهن نشان داد که لکه عمیقتر از پوست نیست و در ضمن موهای سیاه نیز در آن دیده نمی‌شود، آنوقت باید او را هفت روز از مردم جدا نگاه داشت <sup>32</sup>و روز هفتم دوباره وی را معاینه کرد. اگر لکه بزرگ نشده باشد و موهای زردی نیز در آن نمایان نشده باشد، و اگر لکه عمیقتر از پوست به نظر نیاید، <sup>33</sup>نگاه شخص باید موی اطراف زخمش را بتراند (ولی نه روی خود لکه را) و کاهن هفت روز دیگر او را از مردم جدا نگه دارد. <sup>34</sup>روز هفتم باز معاینه شود و اگر لکه بزرگ نشده باشد و از پوست عمیقتر به نظر نیاید، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام نماید. او بعد از شستن لباس‌هایش طاهر خواهد بود. <sup>35,36</sup>ولی اگر بعداً این لکه بزرگ شود، آنوقت کاهن باید دوباره او را معاینه کند و بی‌آنکه منظر بماند تا موهای زرد ببیند، او را نجس اعلام کند.

\* کلمه‌ای که در اینجا جذام ترجمه شده در زبان عبری برای «کپک» یا «رنگ گیاهی» نیز بکار می‌رود.

مرغوب مخلوط با روغن زیتون بعنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نزد کاهن بیاورد. <sup>11</sup> سپس کاهن آن شخص و هدیه وی را دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد. <sup>12</sup> کاهن باید یکی از بره‌های نر را با روغن زیتون گرفته، با تکان دادن آنها در جلو قربانگاه، بعنوان قربانی جبران به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد.) <sup>13</sup> سپس کاهن در خیمه عبادت در جایی که قربانی گناه و قربانی سوختنی ذبح می‌شوند، بره را سر ببرد. این قربانی جبران بسیار مقدس است و باید مثل قربانی گناه برای خوراک به کاهن داده شود. <sup>14</sup> کاهن، خون قربانی جبران را بگیرد و مقداری از آن را بر نرمه گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست او و روی شست پای راستش بمالد.

<sup>15</sup> پس از آن، کاهن مقداری از روغن زیتون را گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد، <sup>16</sup> و انگشت دست راست خود را در آن فرو برده، هفت بار روغن را به حضور خداوند بپاشد. <sup>17</sup> سپس کاهن مقداری از روغن کف دست خود را روی نرمه گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد. <sup>18</sup> بعد روغن باقیمانده در کف دست خود را بر سر آن شخص بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.

<sup>19</sup> پس از آن، کاهن باید قربانی گناه را تقدیم کند و بار دیگر مراسم کفاره را برای شخصی که از جذام خود طاهر می‌شود به جا آورد. سپس کاهن قربانی سوختنی را سر ببرد، <sup>20</sup> و آن را با هدیه آردی بر قربانگاه تقدیم نموده، برای آن شخص کفاره کند تا شرعاً طاهر شناخته شود.

<sup>21</sup> اگر آن شخص فقیر باشد و نتواند دو بره قربانی کند، می‌تواند یک بره نر بعنوان قربانی جبران بیاورد تا هنگام برگزاری مراسم کفاره جلو قربانگاه تکان داده شود و به خداوند تقدیم گردد. همراه با آن یک کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون

باشد، نجس است و باید سوزانده شود، خواه لکه روی آن و خواه زیر آن باشد. <sup>56</sup> اما اگر کاهن ببیند که لکه بعد از شستن کم‌رنگ‌تر شده، آنوقت قسمت لکه‌دار را از پارچه یا شی چرمی جدا کند. <sup>57</sup> ولی اگر لکه دوباره ظاهر شود، جذام است و کاهن باید آن را بسوزاند. <sup>58</sup> اما چنانچه بعد از شستن، دیگر اثری از لکه پیدا نشد، می‌توان بار دیگر آن شی را شست و بکاربرد. <sup>59</sup> این است مقررات مربوط به مرض جذام در لباس پشمی یا کتانی یا هر شی‌ای که از چرم درست شده باشد.

### طهارت از جذام

خداوند این دستورات را درباره شخصی

## 14

که مرض جذام او شفا یافته است، به موسی داد:

<sup>3</sup> کاهن باید برای معاینه او از اردوگاه بیرون رود. اگر دید که جذام برطرف شده است <sup>4</sup> دستور دهد دو پرندۀ زنده حلال گوشت، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا برای مراسم تطهیر شخص شفا یافته بیاورند. <sup>5</sup> سپس دستور دهد که یکی از پرندگان را در یک ظرف سفالین که آن را روی آب روان گرفته باشند سر ببرند <sup>6</sup> و چوب سرو، نخ قرمز، شاخه زوفا و پرندۀ زنده را در خون پرندۀ ای که سرش بریده شده فرو کند. <sup>7</sup> سپس کاهن خون را هفت مرتبه روی شخصی که از جذام شفا یافته، بپاشد و او را شرعاً طاهر اعلام کند و پرندۀ زنده را هم در صحرا رها نماید.

<sup>8</sup> آنگاه شخصی که شفا یافته لباس خود را بشوید و تمام موی خود را بتراند و خود را بشوید تا شرعاً طاهر شود. سپس او می‌تواند به اردوگاه باز گشته، در آنجا زندگی کند؛ ولی باید تا هفت روز بیرون خیمه‌اش بماند. <sup>9</sup> در روز هفتم دوباره تمام موی خود را که شامل موی سر، ریش، ابرو و سایر قسمتهای بدن او می‌شود، بتراند و لباس‌هایش را بشوید و حمام کند. آنگاه آن شخص شرعاً طاهر خواهد بود.

<sup>10</sup> روز بعد، یعنی روز هشتم، باید دو بره نر بی‌عیب و یک میش یک ساله بی‌عیب با سه کیلو آرد

متوجه جذام\* شود، باید بیاید و به کاهن بگوید: «به نظر می‌رسد در خانه من مرض جذام وجود دارد!»<sup>36</sup> کاهن پیش از اینکه خانه را مشاهده کند دستور بدهد که خانه تخلیه شود تا اگر تشخیص داد که مرض جذام در آنجا وجود دارد، هر چه در خانه است، شرعاً نجس اعلام نشود. سپس کاهن وارد خانه شده<sup>37</sup> آن را مشاهده کند. اگر رگه‌های مایل به سبز یا سرخ در دیوار خانه پیدا کرد که عمیق‌تر از سطح دیوار به نظر رسید،<sup>38</sup> باید در خانه را تا هفت روز ببندد.<sup>39</sup> روز هفتم برگشته، دوباره به آن نگاه کند. اگر رگه‌ها در دیوار پخش شده باشند،<sup>40</sup> آتوقت کاهن دستور بدهد آن قسمت رگه‌دار دیوار را کنده، سنگهای آن را در جای ناپاکی خارج از شهر بیندازند.<sup>41</sup> سپس دستور بدهد دیوارهای داخل خانه را بترانند و خاک تراشیده شده را نیز در جای ناپاکی خارج از شهر بریزند.<sup>42</sup> بعد باید سنگهای دیگری بیاورد و بجای سنگهایی که کنده شده کار بگذارند و با ملاط تازه خانه را دوباره انود کنند.<sup>43</sup> ولی اگر رگه‌ها دوباره نمایان شدند،<sup>44</sup> کاهن باید دوباره بیاید و نگاه کند، اگر دید که رگه‌ها پخش شده‌اند، بداند که جذام مسری است و خانه شرعاً نجس می‌باشد.<sup>45</sup> آتوقت کاهن دستور دهد خانه را خراب کنند و تمام سنگها، تیرها و خاک آن را به خارج از شهر برده، در جای ناپاکی بریزند.<sup>46</sup> وقتی در خانه بسته است، اگر کسی داخل آن شود، تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.<sup>47</sup> هر که در آن خانه بخوابد یا چیزی بخورد، باید لباس خود را بشوید.<sup>48</sup> اما زمانی که کاهن دوباره برای مشاهده خانه می‌آید، ببیند که رگه‌ها دیگر پخش نشده‌اند، آنگاه اعلام کند که خانه شرعاً طاهر است و جذام بر طرف شده است.<sup>49</sup> سپس برای طهارت خانه، دستور دهد دو پرند، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا بیاورند.<sup>50</sup> یکی از پرندگان را روی آب روان در یک ظرف سفالین سر ببرد<sup>51</sup> و چوب سرو و شاخه زوفا و نخ قرمز و پرند زنده را در

بعنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نیز تقدیم شود.<sup>22</sup> آن شخص باید دو قمری یا دو جوجه کیوتز نیز بیاورد و یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی تقدیم کند.<sup>23</sup> روز هشتم آنها را دم در خیمه عبادت نزد کاهن بیاورد تا در حضور خداوند برای مراسم طهارت او تقدیم شوند.<sup>24</sup> کاهن بره را بعنوان قربانی جبران همراه با روغن بگیرد و آنها را جلو قربانگاه تکان داده، به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد).<sup>25</sup> سپس بره را بعنوان قربانی جبران ذبح کند و قدری از خون آن را روی نرمه گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد.<sup>26</sup> سپس کاهن مقداری از روغن زیتون را در کف دست چپ خود بریزد<sup>27</sup> و با انگشت راستش قدری از آن را هفت بار به حضور خداوند بپاشد.<sup>28</sup> بعد قدری از روغن زیتون کف دستش را روی نرمه گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست وی بمالد.<sup>29</sup> روغن باقیمانده در دست خود را بر سر شخصی که طاهر می‌شود بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.<sup>30</sup> پس از آن، باید دو قمری یا دو جوجه کیوتزی را که آورده است قربانی کند،<sup>31</sup> یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی. همراه آنها هدیه آردی نیز تقدیم شود. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن شخص کفاره خواهد کرد.<sup>32</sup> این است مقررات مربوط به اشخاصی که از مرض جذام شفا یافته، ولی قادر نیستند قربانی‌هایی را که معمولاً برای انجام مراسم طهارت لازم است بیاورند.<sup>34,33</sup> خداوند این دستورات را در مورد خانه‌ای که جذام بر آن عارض شده، به موسی و هارون داد. (این قوانین برای زمانی بود که قوم اسرائیل به سرزمین موعود کنعان که خداوند قرار بود به آنها ببخشد، وارد می‌شدند).<sup>35</sup> هرگاه کسی در خانه‌اش

<sup>13</sup>وقتی ترشح او قطع شود، باید هفت روز صبر کند و بعد لباس‌هایش را بشوید و در آب روان غسل نماید تا شرعاً ظاهر شود.<sup>14</sup> روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد و آنها را به کاهن بدهد.<sup>15</sup> کاهن باید یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن مرد بسبب ترشحاتی که داشته است کفاره می‌نماید.

<sup>16</sup>هر وقت از مردی منی خارج شود باید خود را کاملاً بشوید؛ او تا غروب نجس خواهد بود.<sup>17</sup> هر پارچه یا چرمی که منی روی آن ریخته باشد باید شسته شود و آن پارچه یا چرم تا غروب نجس خواهد بود.<sup>18</sup> زن و مرد بعد از نزدیکی باید غسل کنند و تا غروب شرعاً نجس خواهند بود.

<sup>19</sup>زن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه‌اش شرعاً نجس خواهد بود. در آن مدت هر کس به او دست بزند، تا غروب نجس خواهد شد،<sup>20</sup> و او روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس خواهد شد.<sup>21, 22, 23</sup> اگر کسی به رختخواب آن زن یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود.<sup>24</sup> مردی که در این مدت با او نزدیکی کند، شرعاً تا هفت روز نجس خواهد بود و هر رختخوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود.

<sup>25</sup>اگر خونریزی عادت ماهانه بیش از حد معمول جریان داشته باشد یا در طول ماه، بی‌موقع عادت ماهانه او شروع شود، همان دستورات بالا باید اجرا گردد.<sup>26</sup> بنابراین در آن مدت او روی هر چیزی که بخوابد یا بنشیند، درست مثل دوره عادت ماهانه عادی نجس خواهد بود.<sup>27</sup> هر کس به رختخواب او یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند نجس خواهد شد و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.<sup>28</sup> هفت روز بعد از تمام شدن عادت ماهانه، او دیگر نجس نیست.<sup>29</sup> روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در عبادتگاه پیش کاهن بیاورد<sup>30</sup> و کاهن یکی را

خون پرنده‌ای که سربریده است و همچنین در آب روان فرو کند و هفت بار بر خانه بپاشد. به این طریق خانه ظاهر می‌شود.<sup>33</sup> سپس پرنده زنده را بیرون شهر در صحرا رها کند. این است روش تطهیر خانه.

<sup>34, 35, 36</sup>این مقررات مربوط به جذام است که ممکن است در لباس یا در خانه، در آماس روی پوست بدن یا در جوش، و یا در لکه براق دیده شود.<sup>37</sup> طبق این مقررات تشخیص خواهید داد که چه وقت چیزی نجس است و چه وقت طاهر.

### ترشحاتی که تولید نجاست می‌کند

15 خداوند به موسی و هارون فرمود که این دستورات را نیز به قوم اسرائیل بدهند: هرگاه از بدن مردی مایعی ترشح شود، او شرعاً نجس است.<sup>3</sup> این مایع، چه از بدنش به بیرون ترشح کند و چه نکند، او را نجس می‌سازد.<sup>4</sup> هر رختخوابی که او در آن بخوابد و هر چیزی که روی آن بنشیند نجس خواهد شد.<sup>5</sup> هر کس به رختخواب او دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.<sup>6</sup> هر کس روی جایی بنشیند که آن مرد هنگام آلودگی روی آن نشسته بود، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.<sup>7</sup> هر کس به آن مرد دست بزند، باید همین دستورات را اجرا کند.<sup>8</sup> به هر کس آب دهان بباندازد، آن شخص شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.<sup>9</sup> روی هر زینی که بنشیند، آن زین نجس خواهد بود.<sup>10</sup> اگر کسی چیزی را که زیر این مرد بوده است بردارد یا به آن دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.<sup>11</sup> اگر این مرد نجس بی‌آنکه اول دستهای خود را بشوید، به کسی دست بزند، آن شخص باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.<sup>12</sup> اگر مرد نجس به یک ظرف سفالین دست بزند، آن ظرف باید شکسته شود؛ ولی اگر به ظرفی چوبی دست بزند آن ظرف را باید شست.



را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

<sup>11</sup> پس از اینکه هارون گوساله را بعنوان قربانی گناه برای خود و خانواده‌اش ذبح کرد،<sup>12</sup> آتش دانی پر از زغالهای مشتعل از قربانگاه بخور برداشته، آن را با دو مشت بخور کوبیده<sup>13</sup> خوشبو به قفس الاقداس بیاورد و در حضور خداوند، بخور را روی آتش بریزد تا ابری از بخور، تخت رحمت روی صندوق عهد را بپوشاند. بدین ترتیب او نخواهد مرد.<sup>14</sup> هارون مقداری از خون گوساله را آورده، با انگشت خود آن را یک مرتبه بر قسمت جلویی تخت رحمت، سپس هفت مرتبه جلو آن روی زمین بپاشد.

<sup>15</sup> پس از آن، او باید بیرون برود و بز قربانی گناه قوم را ذبح کند و خون آن را به قفس الاقداس بیاورد و مانند خون گوساله بر تخت رحمت و جلو آن بپاشد.<sup>16</sup> لیه این ترتیب برای قفس الاقداس که بسبب گناهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمه عبادت که در میان قوم واقع است و با آلودگیهای ایشان احاطه شده، کفار خواهد کرد.<sup>17</sup> از زمانی که هارون برای کفاره کردن وارد قفس الاقداس می‌شود تا وقتی که از آنجا بیرون می‌آید هیچکس نباید در داخل خیمه عبادت باشد. هارون پس از اینکه مراسم کفاره را برای خود و خانواده‌اش و قوم اسرائیل بجا آورد،<sup>18</sup> باید در حضور خداوند بطرف قربانگاه برود و برای آن کفاره کند. او باید خون گوساله و خون بز را بر شاخهای قربانگاه بمالد<sup>19</sup> و با انگشت خود هفت بار خون را بر قربانگاه بپاشد، و به این ترتیب آن را از آلودگی گناهان بنی اسرائیل پاک نموده، تقدیس کند.

<sup>20</sup> وقتی هارون مراسم کفاره را برای قفس الاقداس، خیمه عبادت و قربانگاه به انجام رسانید، بز زنده را بیاورد و <sup>21</sup>هر دو دست خود را روی سر حیوان قرار داده، تمام گناهان و تقصیرات قوم اسرائیل را اعتراف کند و آنها را بر سر بز قرار دهد. سپس بز را به دست مردی که برای این کار تعیین شده است بدهد تا آن را به بیابان برده در آنجا رهایش سازد.

برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند و در حضور خداوند برای نجاست عادت ماهانه آن زن کفار نماید.<sup>31</sup> به این طریق قوم اسرائیل را از ناپاکیهایشان طاهر کنید مبدا باخاطر آلوده کردن خیمه عبادت من که در میان ایشان است بمیرند.

<sup>32</sup> این مقررات برای مردی که بسبب ترشح مایع با خارج شدن منی نجس شود<sup>33</sup> و همچنین برای دوره عادت ماهانه زن و در مورد هر شخصی است که با آن زن قبل از طهارت وی نزدیکی کند.

## روز کفار

16 پس از آنکه دو پسر هارون بعلت سوزاندن بخور بر آتش غیر مجاز در حضور خداوند مردند، خداوند به موسی فرمود: «به برادرت هارون بگو که غیر از موعد مقرر، در وقت دیگری به قفس الاقداس که پشت پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبدا بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم. <sup>3</sup> شرایط داخل شدن او به آنجا از این قرار است: او باید یک گوساله برای قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی سوختنی بیاورد.»

<sup>4</sup> سپس خداوند این مقررات را داد: قبل از آنکه هارون به قفس الاقداس داخل شود، باید غسل نموده، لباس‌های مخصوص کاهنی را بپوشد، یعنی پیراهن مقدس کتانی، لباس زیر از جنس کتان، کمر بند کتانی و عمامه کتانی.<sup>5</sup> آنوقت قوم اسرائیل دو بز نر برای قربانی گناهشان و یک قوچ برای قربانی سوختنی نزد او بیاورد.<sup>6</sup> هارون باید اول گوساله را بعنوان قربانی گناه خودش به حضور خداوند تقدیم کند و برای خود و خانواده‌اش کفار نماید.<sup>7</sup> سپس دو بز نر را دم در خیمه عبادت بحضور خداوند بیاورد.<sup>8</sup> او باید یک بز را ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیاندازد.<sup>9</sup> آنگاه بز را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، بعنوان قربانی گناه ذبح کند.<sup>10</sup> و بز دیگر

### خون حیوانات

خداوند دستورات زیر را برای هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل به موسی داد: <sup>17</sup> هر اسرائیلی که گاو یا گوسفند یا بز را در جایی دیگر غیر از خیمه عبادت برای خداوند ذبح کند، خون ریخته و مجرم است و باید از میان قوم خود طرد شود. <sup>5</sup> هدف از این قانون این است که قوم اسرائیل دیگر در صحرا قربانی نکنند. قوم باید قربانی‌های خود را دم‌درخیمه عبادت پیش کاهن بیاورند و آنها را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کنند. <sup>6</sup> سپس کاهن خون آنها را بر قربانگاه خداوند که دم در خیمه عبادت است بپاشد و پیه آنها را همچون عطر خوشبویی که مورد پسند خداوند است بسوزاند. <sup>7</sup> قوم اسرائیل دیگر نباید در صحرا برای ارواح شریر قربانی کنند و به خداوند خیانت ورزند. این برای شما قانونی است همیشگی که باید نسل اندر نسل بجا آورده شود.

<sup>8</sup> هرگاه یک اسرائیلی یا غریبی که در میان قوم ساکن است در جایی غیر از دم در خیمه عبادت برای خداوند قربانی کند، باید از میان قوم طرد شود.

<sup>10</sup> هرکس خون بخورد، چه اسرائیلی باشد، چه غریبی که در میان شما ساکن است، روی خود را از او برگردانده او را از میان قوم طرد خواهیم کرد، <sup>11</sup> زیرا جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانهای خود،

<sup>22</sup> بدین ترتیب آن بز تمام گناهان بنی اسرائیل را به سرزمینی که کسی در آنجا سکونت ندارد می‌برد.

<sup>23</sup> پس از آن، هارون بار دیگر باید داخل عبادتگاه شده لباس‌های کتانی را که هنگام رفتن به قدس الاقداس پوشیده بود از تن بیرون بیاورد و آنها را در عبادتگاه بگذارد. <sup>24</sup> آنوقت در مکان مقدسی غسل نموده، دو باره لباس‌هایش را بپوشد و بیرون رفته، قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی بنی اسرائیل را تقدیم کند و به این وسیله برای خود و بنی اسرائیل کفاره کند. <sup>25</sup> او باید پیه قربانی گناه را هم بر قربانگاه بسوزاند.

<sup>26</sup> مردی که بز را به بیابان برده است، باید لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد. <sup>27</sup> گوئساله و بزی که بعنوان قربانی گناه ذبح شدند و هارون خون آنها را به داخل قدس الاقداس برد تا کفاره کند، باید از اردوگاه بیرون برده شوند و پوست و گوشت و سرگین آنها سوزانده شود.

<sup>28</sup> سپس شخصی که آنها را سوزانده، لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد.

<sup>29</sup> این قوانین را همیشه باید اجرا کنید: در روز دهم ماه هفتم نباید کار بکنید، بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم بوسیله قوم اسرائیل و هم بوسیله غریبانی که در میان قوم اسرائیل ساکن هستند رعایت گردد، <sup>30</sup> چون در آن روز، مراسم کفاره برای آموزش گناهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشند. <sup>31</sup> این روز برای شما مقدس است و نباید در این روز کار کنید بلکه باید در روزه بسر برید. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید. <sup>32</sup> این مراسم در نسلهای آینده بوسیله کاهن اعظمی که بجای جد خود هارون برای کار کاهنی تقدیس شده، انجام خواهد شد. او باید لباس‌های مقدس کتانی را بپوشد، <sup>33</sup> و برای قدس الاقداس، عبادتگاه، قربانگاه، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره کند. <sup>34</sup> شما باید سالی یک مرتبه برای گناهان قوم اسرائیل کفاره کنید و این برای شما یک قانون همیشگی است.

هارون تمام دستوراتی را که خداوند به موسی داد بجا آورد.

چون با این کار خود را رسوا می‌کند. <sup>11</sup> با دختر زن پدربهرت همبستر نشو، چون او خواهر ناتنی توست. <sup>12</sup> با عمه خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک پدربهرت می‌باشند. <sup>13</sup> با خاله خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک مادرت است. <sup>14</sup> با زن عموی خود همبستر نشو، چون او مثل عمه توست.

<sup>15</sup> «با عروس خود همبستر نشو، چون زن پسر توست. <sup>16</sup> با زن برادرت همبستر نشو، چون با این کار به برادرت بی‌احترامی می‌کند. <sup>17</sup> با یک زن و دختر او یا نوه‌اش همبستر نشو، چون آنها بستگان نزدیک هم‌دیگرند و این عمل قبیحی است. <sup>18</sup> مادامی که زنت زنده است نباید خواهر او را هم به زنی بگیری و با او همبستر شوی.

<sup>19</sup> «با زنی به هنگام عادت ماهانه‌اش همبستر نشو. <sup>20</sup> با زنی که همسر مرد دیگری است همبستر نشو و خود را بوسیله او نجس نساز.

<sup>21</sup> «هیچ یک از فرزندان خود را به بت مولک هدیه نکن و آنها را بر قربانگاه آن نسوزان زیرا با این کار نام خداوند، خدای خود را بی‌حرمت خواهی کرد.

<sup>22</sup> «هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند، چون این عمل، بسیار قبیح است. <sup>23</sup> هیچ مرد یا زنی نباید با حیوان نزدیکی کند و با این کار خود را نجس سازد. این عمل، بسیار قبیح است.

<sup>24</sup> «با این کارها خود را نجس نسازید، چون این اعمالی است که بت پرست‌ها انجام می‌دهند و بخاطر این کار هاست که می‌خواهم آنان را از سرزمینی که شما داخل آن می‌شوید بیرون کنم. <sup>25</sup> تمامی آن سرزمین با این نوع اعمال، نجس شده است. به همین دلیل است که می‌خواهم مردمانی را که در آنجا ساکنند مجازات کنم و ایشان را از آنجا بیرون اندازم. <sup>26</sup> شما باید از تمام قوانین و دستورات من اطاعت کنید و هیچ یک از این اعمال قبیح را انجام ندهید. این قوانین هم شامل شما می‌شود و هم شامل غریبانی که در میان شما ساکنند.

<sup>27</sup> «آری، تمامی این اعمال قبیح بوسیله مردمان سرزمینی که می‌خواهم شما را به آنجا ببرم بعمل آمده و آن سرزمین را نجس کرده است. <sup>28</sup> شما این اعمال

آن را بر روی قربانگاه بپاشید. خون است که برای جان کفار می‌کند. <sup>12</sup> به همین دلیل است که به قوم اسرائیل حکم می‌کنم که نه خودشان خون بخورند و نه غریبی که در میان ایشان ساکن است. <sup>13</sup> هرکس به شکار برود، خواه اسرائیلی باشد خواه غریبی که در میان شماس و حیوان یا پرندۀ حلال گوشتی را شکار کند، باید خونسش را بریزد و روی آن را با خاک بپوشاند، <sup>14</sup> زیرا جان هر موجودی در خون اوست. به همین دلیل است که به قوم اسرائیل گفتم که هرگز خون نخورند، زیرا حیات هر موجود زنده‌ای در خون آن است. پس هر کس خون بخورد باید از میان قوم اسرائیل طرد شود.

<sup>15</sup> هر اسرائیلی یا غریبی که گوشت حیوان مرده یا دریده شده‌ای را بخورد، باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او بعد از غروب شرعاً طاهر خواهد بود. <sup>16</sup> ولی اگر لباس‌هایش را نشوید و غسل نکند مجرم خواهد بود.

## زنا و اعمال قبیح

سپس خداوند به موسی فرمود که به قوم اسرائیل بگوید:

### 18

«من خداوند، خدای شما هستم. <sup>1</sup> پس مانند بت پرستان رفتار نکنید یعنی مثل مصریانی که در کشورشان زندگی می‌کردید و با مانند کنعانیهایی که می‌خواهم شما را به سرزمینشان ببرم. <sup>2</sup> باید فقط از دستورات و قوانین من اطاعت کنید و آنها را بجا آورید، چون من خداوند، خدای شما هستم. اگر قوانین مرا اطاعت کنید، زنده خواهید ماند. <sup>3</sup> «هیچ یک از شما نباید با محارم خود همبستر شود.

<sup>4</sup> با مادر خود همبستر نشو، زیرا با این کار به او و به پدربهرت بی‌احترامی می‌کند. <sup>5</sup> با هیچ یک از زنان پدربهرت همبستر نشو، چون با این کار به پدربهرت بی‌احترامی می‌کند. <sup>6</sup> همچنین با خواهر تنی یا با خواهر ناتنی خود، چه دختر پدربهرت باشد چه دختر مادرت، چه در همان خانه بدینا آمده باشد چه در جای دیگر، همبستر نشو.

<sup>7</sup> «با دختر پسر یا دختر دخترت همبستر نشو،

<sup>13</sup> «مال کسی را غصب نکنید و به کسی ظلم ننمایید و مزد کارگران خود را به‌موقع بپردازید.

<sup>14</sup> «شخص کر را نفرین نکنید و پیش پای کور سنگ نیاندازید. از من بترسید، زیرا من خداوند شما هستم.

<sup>15</sup> «هنگام قضاوت، از فقیر طرفداری بیجا نکنید و از ثروتمند ترسی نداشته باشید، بلکه همیشه قضاوتتان منصفانه باشد.

<sup>16</sup> «سخن چینی نکنید و با پخش خبر دروغ باعث نشوید کسی به مرگ محکوم شود.

<sup>17</sup> «از کسی کینه به دل نگیرید، بلکه اختلاف خود را با او حل کنید مبادا بخاطر او مرتکب گناه شوید\*.

<sup>18</sup> از همسایه خود انتقام نگیرید و از وی نفرت نداشته باشید بلکه او را چون جان خویش دوست بدارید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>19</sup> «از قوانین من اطاعت کنید. حیوانات اهلی خود را به جفت‌گیری با حیوانات غیر همجنسشان و امادارید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و

لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید.

<sup>20</sup> «اگر مردی با کنیزی که نامزد شخص دیگری است همبستر شود و آن کنیز هنوز بازخرید و آزاد نشده باشد، ایشان را نباید کشت بلکه باید تنبیه کرد،

چون کنیز آزاد نبوده است.<sup>21</sup> مردی که آن دختر را فریب داده، باید بعنوان قربانی جبران خود قوچی را

دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد.

<sup>22</sup> کاهن باید با این قوچ برای گناه آن مرد نزد خداوند کفاره کند و به این ترتیب گناهش بخشیده خواهد شد.

<sup>23</sup> «وقتی که داخل سرزمین موعود شدید و انواع درختان میوه در آنجا کاشتید، سه سال از محصول آن

نخورید، چون شرعاً نجس به حساب می‌آید.<sup>24</sup> تمامی محصول سال چهارم را وقف من کنید و برای تمجید

و تشکر از من به من هدیه کنید،<sup>25</sup> زیرا من خداوند، خدای شما هستم. در سال پنجم می‌توانید محصول را

را انجام ندهید و گرنه شما را نیز مثل اقوامی که اکنون در آنجا ساکنند از آن سرزمین بیرون خواهم راند.<sup>29</sup> هرکس مرتکب یکی از این اعمال قبیح گردد، از میان قوم طرد خواهد شد. پس قوانین مرا اطاعت کنید و هیچ یک از این عادات زشت را انجام ندهید. خود را با این اعمال قبیح نجس نکنید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.»

## قوانین گوناگون

### 19

خداوند همچنین به موسی فرمود که به بنی‌اسرائیل بگوید: «مقدس باشید زیرا من

خداوند، خدای شما مقدس هستم. <sup>3</sup>به مادر و پدر خود احترام بگذارید و قانون روز سبت مرا اطاعت کنید، چون من خداوند، خدای شما هستم. <sup>4</sup>بنت نسازید و بته‌ها را پرستش نکنید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>5</sup>«وقتی که قربانی سلامتی به‌حضور من تقدیم می‌کنید آن را طوری هدیه کنید که مورد قبول من باشد. <sup>6</sup>گوشش را در همان روزی که آن را ذبح می‌کنید و یا روز بعد بخورید. هر چه را که تا روز سوم باقی مانده، بسوزانید، <sup>7</sup>زیرا شرعاً نجس است و اگر کسی آن را بخورد من آن قربانی را قبول نخواهم کرد. <sup>8</sup>اگر در روز سوم از آن بخورید مقصرید، چون به قدوسیت خداوند بی‌احترامی کرده‌اید و باید از میان قوم طرد شوید.

<sup>9</sup>«وقتی که محصول خود را درو می‌کنید، گوشه و کنار مزرعه‌های خود را درو نکنید و خوشه‌های گندم به جا مانده را برنچینید. <sup>10</sup>درمورد حاصل انگور خود نیز همینطور عمل کنید خوشه‌ها و دانه‌های انگوری را که بر زمین می‌افتد، جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبان بگذارید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>11</sup>«زدی نکنید، دروغ نگوئید و کسی را فریب ندهید. <sup>12</sup>به نام من قسم دروغ نخورید و به این طریق نام مرا بی‌حرمت نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

\* یا «از کسی کینه به دل نگیرید. گناهکار را توبیخ کنید و نگذارید گناهش نادیده گرفته شود و گرنه شما هم مثل او مجرم خواهید بود.»

خواهم رساند، زیرا فرزند خود را برای مولک قربانی کرده و بدین وسیله عبادتگاه مرا نجس نموده و نام مقدس مرا بی‌حرمت ساخته است.<sup>4</sup> اگر اهالی محل وانمود کنند که از کاری که آن مرد کرده، بی‌خبرند و نخواهند او را بکشند، آنگاه من بر ضد او و خانواده‌اش برمی‌خیزم و او را با تمامی اشخاص دیگری که از مولک پیروی نموده، به من خیانت ورزیده‌اند طرد می‌کنم و به سزای اعمالشان می‌رسانم.

<sup>6</sup> اگر کسی به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل شده، با این عمل به من خیانت ورزد من بر ضد او بر می‌خیزم و او را از میان قوم خود طرد کرده، به سزای اعمالش می‌رسانم.<sup>7</sup> پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من خداوند، خدای شما هستم.<sup>8</sup> از فرامین من که خداوند هستم و شما را تقدیس می‌کنم، اطاعت کنید.

<sup>9</sup> کسی که پدر یا مادرش را نفرین کند، باید کشته شود؛ و خونش بر گردن خودش خواهد بود.

<sup>10</sup> اگر فردی با همسر شخص دیگری زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند.<sup>11</sup> اگر مردی با زن پدر خود همبستر شود به پدر خود بی‌احترامی کرده است، پس آن مرد و زن باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.<sup>12</sup> اگر مردی با عروس خود همبستر شود، هر دو باید کشته بشوند، زیرا زنا کرده‌اند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.<sup>13</sup> اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند، عمل قبیحی انجام داده‌اند و باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.<sup>14</sup> اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما پاک شود.

<sup>15</sup> اگر مردی با حیوانی نزدیکی کند، آن مرد و حیوان باید کشته شوند.<sup>16</sup> اگر زنی با حیوانی نزدیکی کند، آن زن و حیوان باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.

<sup>17</sup> اگر مردی با خواهر خود ازدواج کند و با او همبستر شود، خواه دختر پدرش باشد، خواه

برای خود بردارید. اگر این قانون را رعایت کنید، درختان شما پرثمر خواهند بود.

<sup>26</sup> «گوشتی را که هنوز خون در آن است نخورید. فالگیری و جادوگری نکنید.<sup>27</sup> مثل بت پرست‌ها موهای ناحیه شقیقه خود را نترشید و گوشه‌های ریش خود را نچینید.<sup>28</sup> هنگام عزاداری برای مردگان خود مثل بت‌پرستان بدن خود را زخمی نکنید و مانند آنها روی بدن خود خالکوبی ننمایید.

<sup>29</sup> «حرمت ناموس دخترتان را با وادار کردن او به فاحشگی از بین نبرید مبادا سرزمین شما از شرارت و زنا پر شود.

<sup>30</sup> «قوانین روز سبت را نگاهدارید و عبادتگاه مرا احترام نمایید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>31</sup> «به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل نشوید و با این کار خود را نجس نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>32</sup> «جلو پای ریش سفیدان بلند شوید، به پیرمردان احترام بگذارید و از من بترسید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.<sup>33</sup> با غریبانی که در سرزمین تو زندگی می‌کنند بد رفتاری مکن.<sup>34</sup> با ایشان مانند سایر اهالی سرزمینت رفتار کن، زیرا نباید از یاد ببری که تو نیز خودت در سرزمین مصر غریب و بیگانه بودی. من خداوند، خدای تو هستم.

<sup>35</sup> «در داوری طرفداری مکن! در اندازمگیری طول و وزن و حجم، از مقیاسها و وسایل صحیح استفاده کن. زیرا من خداوند، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم.<sup>37</sup> از احکام و فرایض من بدقت اطاعت و پیروی کن، زیرا من بپوه هستم.»

## مجازات گناهان

خداوند همچنین این دستورات را برای قوم اسرائیل داد: هرکس، چه اسرائیلی باشد چه غریبی که در میان شما ساکن است، اگر بچه خود را برای بت مولک قربانی کند، قوم اسرائیل باید او را سنگسار کنند.<sup>3</sup> من خود بر ضد او برمی‌خیزم و او را از میان قوم اسرائیل طرد کرده به سزای اعمالش

## تقدیس کاهنان

21 خداوند به موسی فرمود: «به کاهنان که از نسل هارون هستند بگو که هرگز با دست زدن به شخص مرده خودشان را نجس نکنند،<sup>32</sup> مگر اینکه مرده از بستگان نزدیک آنها باشد، مثل: مادر، پدر، پسر، دختر، برادر یا خواهری که شوهر نکرده و تحت تکفل او بوده است.<sup>4</sup> کاهنان در میان قوم خود رهبر هستند و نباید مثل افراد عادی خودشان را نجس سازند.

<sup>5</sup> «کاهنان نباید موی سر یا گوشه‌های ریش خود را بتراشند و یا بدن خود را مجروح کنند.<sup>6</sup> ایشان باید برای من مقدس باشند و به اسم من بی‌احترامی نکنند. آنها برای من هدایای خوراکی بر آتش تقدیم می‌کنند، پس باید مقدس باشند.<sup>7</sup> کاهن نباید با یک فاحشه که خود را بی‌عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته، ازدواج کند؛ چون او مرد مقدسی است.<sup>8</sup> کاهنان را مقدس بشمارید زیرا ایشان هدایای خوراکی به من تقدیم می‌کنند، و من که خداوند هستم و شما را تقدیس می‌کنم، مقدس می‌باشم.<sup>9</sup> اگر دختر کاهنی فاحشه شود به تقدس پدرش لطمه می‌زند و باید زنده زنده سوزانده شود.

<sup>10</sup> «کاهن اعظم که با روغن مخصوص، مسح و تقدیس شده و لباس‌های مخصوص کاهنی را می‌پوشد، نباید هنگام عزاداری موی سر خود را باز کند یا گریبان لباس خود را چاک بزند.<sup>11</sup> او نباید با خارج شدن از عبادتگاه و وارد شدن به خانه‌ای که جنازه‌ای در آن هست، حتی اگر جنازه پدر یا مادرش باشد، خود را و عبادتگاه مقدس مرا بی‌حرمت سازد، زیرا تبرک روغن مسح من که خداوند هستم بر سر اوست.<sup>13</sup> او باید با دختر باکره‌ای ازدواج کند.<sup>14</sup> او نباید با زن بیوه یا طلاق گرفته یا فاحشه ازدواج کند بلکه با دختر باکره‌ای از قوم خود، در غیراینصورت فرزندان او دیگر مقدس نخواهند بود. من که خداوند هستم او را برای کاهنی تقدیس کرده‌ام.»

<sup>17</sup> خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو که در نسلهای آینده هر کدام از فرزندانش که عضوی

مادرش، عمل شرم‌آوری کرده است و هر دو باید در ملاءعام از میان قوم طرد شوند و آن مرد باید به سزای گناه خود برسد، زیرا خواهر خود را بی‌عصمت کرده است.<sup>18</sup> اگر مردی با زنی به‌هنگام عادت ماهانه‌اش همبستر شود، هر دو نفر باید از میان قوم اسرائیل طرد شوند، زیرا مقررات مربوط به طهارت را رعایت نکرده‌اند.

<sup>19</sup> اگر مردی با خاله یا عمه خود همبستر شود، هر دو آنها باید به سزای گناه خود برسند زیرا بستگان نزدیک یکدیگرند.<sup>20</sup> اگر مردی با زن عمومی خود همبستر شود، به عمومی خود بی‌احترامی کرده است. آنها به سزای گناه خود خواهند رسید و بی‌اولاد خواهند مرد.<sup>21</sup> اگر مردی زن برادر خود را به زنی بگیرد، کار قبیحی کرده است زیرا نسبت به برادرش بی‌احترامی نموده است. هر دو ایشان بی‌اولاد خواهند مرد.

<sup>22</sup> باید از تمامی قوانین و دستورات من اطاعت کنید تا شما را از سرزمین جدیدتان بیرون نکنم.<sup>23</sup> از رسوم مردمی که از پیش شما می‌راند پیروی نکنید چون ایشان همه اعمالی را که من شما را از آنها برحذر ساخته‌ام انجام می‌دهند و به همین دلیل است که از آنها نفرت دارم.

<sup>24</sup> قول داده‌ام سرزمین ایشان را به شما بدهم تا آن را به تصرف خود درآورده، مالک آن باشید. آنجا سرزمینی است که شیر و عسل در آن جاری است. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از قوم‌های دیگر جدا کرده‌ام.

<sup>25</sup> بین پرندگان و حیواناتی که گوشت آنها برای شما حلال است و آنهایی که حرام است فرق بگذارید. با خوردن گوشت پرندگان یا حیواناتی که خوردن آنها را برای شما حرام کرده‌ام خود را آلوده نکنید.<sup>26</sup> برای من مقدس باشید، زیرا من که خداوند هستم مقدس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید.

<sup>27</sup> احضارکننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید حتماً سنگسار شود. خون او به گردن خودش است.

می‌کند. به کاهنان بگو که با دقت از این دستورات اطاعت کنند، مبادا مجرم شناخته شده، بسبب سرپیچی از این قوانین بمیرند. من که خداوند هستم ایشان را تقدیس کرده‌ام.

<sup>10</sup> «هیچکس غیر از کاهنان نباید از قربانی‌های مقدس بخورد. مهمان یا نوکر کاهن که از او مزد می‌گیرد نیز نباید از این خوراک بخورد. <sup>11</sup> ولی اگر کاهن با پول خود غلامی بخرد، آن غلام می‌تواند از قربانی‌های مقدس بخورد. فرزندان غلام یا کنیزی نیز که در خانه او بدنیا بیایند می‌توانند از آن بخورند. <sup>12</sup> اگر دختر یکی از کاهنان با شخصی که کاهن نیست ازدواج کند، نباید از هدایای مقدس بخورد؛ <sup>13</sup> ولی اگر بیوه شده یا طلاق گرفته باشد و فرزندی هم نداشته باشد که از او نگهداری کند و به خانه پدرش باز گشته باشد، می‌تواند مانند سابق از خوراک پدرش بخورد. پس کسی که از خانواده کاهنان نیست، حق ندارد از این خوراک بخورد.

<sup>14</sup> «اگر کسی ندانسته از قربانی‌های مقدس بخورد، باید همان مقدار را به اضافه یک پنجم به کاهن باز گرداند. <sup>15</sup> کاهنان نباید اجازه دهند اشخاص غیر مجاز قربانی‌های مقدس را بخورند و به این وسیله مجرم شوند. این کار بی‌حرمتی به هدایای مقدسی است که بنی‌اسرائیل به من تقدیم می‌کنند. من خداوند هستم و این هدایا را تقدیس کرده‌ام.»

<sup>17</sup> <sup>18</sup> خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل بدهد: اگر یک نفر اسرائیلی یا غریبی که در میان شما ساکن است، به خداوند هدیه‌ای برای قربانی سوختنی تقدیم کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، <sup>19</sup> فقط بشرطی مورد قبول خداوند خواهد بود که آن حیوان، گاو یا گوسفند یا بز، نر و بی‌عیب باشد. <sup>20</sup> حیوانی که نقصی داشته باشد نباید تقدیم شود، چون مورد قبول خداوند نمی‌باشد. <sup>21</sup> وقتی کسی از رمه یا گله خود حیوانی را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم می‌کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، آن حیوان باید سالم و بی‌عیب باشد و گر نه مورد قبول خداوند واقع نمی‌شود. <sup>22</sup> حیوان کور، شل یا مجروح و یا

از بدنش معیوب باشد نباید هدایای خوراکی را به حضور من تقدیم کند. <sup>18</sup> کسی که نقصی در صورت داشته باشد و یا کور، شل، ناقص الخلقه، <sup>19</sup> دست یا پا شکسته، <sup>20</sup> گوزپشت یا کوتوله باشد، چشم معیوب یا مرض پوستی داشته یا خواجه باشد، <sup>21</sup> بسبب نقص جسمی‌اش اجازه ندارد هدایای خوراکی را که بر آتش به من تقدیم می‌شود، تقدیم کند. <sup>22</sup> با وجود این باید از خوراک کاهنان که از هدایای تقدیمی به خداوند است به او غذا داده شود هم از هدایای مقدس و هم از مقدس‌ترین هدایا. <sup>23</sup> ولی او نباید به پرده مقدس عبادتگاه یا به قربانگاه نزدیک شود چون نقص بدنی دارد و این عمل او عبادتگاه مرا بی‌حرمت می‌کند، زیرا من که خداوند هستم آن را تقدیس کرده‌ام.»

<sup>24</sup> موسی این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل داد.

## تقدیس قربانی‌ها و هدایا

22 خداوند به موسی فرمود: «به هارون و پسرانش بگو که حرمت قربانی‌ها و هدایای مقدسی را که قوم به من وقف می‌کنند، نگه دارند و نام مقدس مرا بی‌حرمت نسازند، زیرا من خداوند هستم. در نسلهای شما اگر کاهنی که شرعاً نجس است به این هدایای مقدس دست بزند باید از مقام کاهنی برکنار شود.

<sup>4</sup> «کاهنی که جذامی باشد یا از بدنش مایع ترشح شود، تا وقتی که شرعاً ظاهر نشده، حق ندارد از قربانی‌های مقدس بخورد. هر کاهنی که به جنازهای دست بزند یا در اثر خروج منی نجس گردد، <sup>5</sup> و یا حیوان یا شخصی را که شرعاً نجس است لمس کند، <sup>6</sup> آن کاهن تا عصر نجس خواهد بود، و تا هنگام غروب که غسل می‌کند نباید از قربانی‌های مقدس بخورد. <sup>7</sup> وقتی که آفتاب غروب کرد، او دوباره ظاهر می‌شود و می‌تواند از خوراک مقدس بخورد، چون معاش او همین است. <sup>8</sup> کاهن نباید گوشت حیوان مرده یا حیوانی را که جانوران وحشی آن را دریده باشند بخورد، چون این عمل او را نجس

### عید پسخ و عید نان فطیر

(اعداد 28: 16-25)

<sup>5</sup> «در غروب روز چهاردهم اولین ماه هر سال مراسم پسخ را به احترام من بجا آورید. <sup>6</sup> از روز پانزدهم همان ماه، عید فطیر آغاز می‌شود و تا هفت روز باید فقط نان بدون خمیرمایه خورده شود. <sup>7</sup> در روز اول این عید برای عبادت جمع شوید و از همه کارهای معمول خود دست بکشید. <sup>8</sup> هفت روز هدایای سوختنی به من تقدیم نمایید و در روز هفتم نیز از کارهای معمول خود دست کشیده برای عبادت جمع شوید.

### عید نویر محصولات

(اعداد 28: 26-31)

<sup>9,10,11</sup> «وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید و اولین محصول خود را درو کردید، روز بعد از سبت، اولین بافه را نزد کاهن بیاورید تا او آن را در حضور من تکان دهد و من آن را از شما قبول کنم. <sup>12</sup> همان روز یک برهٔ یک سالهٔ سالم و بی‌عیب بعنوان قربانی سوختنی به من تقدیم کنید. <sup>13</sup> برای هدیهٔ آردی آن، دو کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون آورده، بر آتش به من تقدیم کنید؛ این هدیه موردپسند من است. یک لیتر شراب هم بعنوان هدیهٔ نوشیدنی تقدیم نمایید. <sup>14</sup> تا این هدایا را به من تقدیم نکرده‌اید، نباید نان یا حیوانات تازه یا برشته بخورید. این قانونی است همیشگی برای تمام نسلهای شما در هر جایی که زندگی کنید.

<sup>15</sup> «هفت هفته بعد از روزی که اولین بافهٔ خود را به من تقدیم کردید، <sup>16</sup> یعنی در روز پنجاهم که روز بعد از هفتمین سبت است هدیهٔ دیگری از محصول تازهٔ خود به‌حضور من بیاورید. <sup>17</sup> هر خانواده‌ای دو قرص نان که از دو کیلو آرد مرغوب همراه با خمیرمایه پخته شده باشد، بیاورد تا در حضور من تکان داده شود و بعنوان هدیه‌ای از آخرین برداشت محصول به من تقدیم شود.\* <sup>18</sup> همراه با این نانها،

حیوانی که بدنش پر از زخم است و یا مبتلا به گری یا آبله می‌باشد، نباید به خداوند هدیه شود. این نوع هدیه را بر آتش قربانگاه به خداوند تقدیم نکنید. <sup>23</sup> اگر گاو یا گوسفندی که تقدیم خداوند می‌شود عضو زاید یا ناقصی داشته باشد، آن را بعنوان قربانی داوطلبانه می‌توان ذبح کرد ولی نه بعنوان نذر. <sup>24</sup> حیوانی که بیضه‌اش نقص داشته باشد یعنی کوفته یا بریده باشد هرگز نباید در سرزمین خود برای خداوند قربانی کنید. <sup>25</sup> این محدودیت، هم شامل قربانی‌های غریبانی است که در میان شما ساکنند و هم قربانی‌های خود شما، چون هیچ حیوان معیوبی برای قربانی پذیرفته نمی‌شود.

<sup>26,27</sup> خداوند به موسی فرمود: «وقتی گاو یا گوسفند یا بز زبیده شود باید تا هفت روز پیش مادرش بماند ولی از روز هشتم به بعد می‌توان آن را بر آتش برای خداوند قربانی کرد. <sup>28</sup> گاو یا گوسفند را با نوزادش در یک روز سر نبرید. <sup>29,30</sup> وقتی که قربانی شکرگزاری به من که خداوند هستم تقدیم می‌کنید، باید طبق مقررات عمل کنید تا مورد قبول من واقع شوید. در همان روز تمام گوشت حیوان قربانی شده را بخورید و چیزی از آن را برای روز بعد باقی نگذارید.

<sup>31</sup> «شما باید تمام اوامر مرا اطاعت کنید، چون من خداوند هستم. <sup>32,33</sup> نام مقدس مرا بی‌حرمت نکنید. مرا مقدس بدانید زیرا من که خداوند هستم، شما را تقدیس کردم و از مصر نجات دادم تا خدای شما باشم.»

23 خداوند مقررات اعیاد مقدس را توسط موسی به قوم اسرائیل داد و فرمود: «برای

برگزاری این اعیاد، تمام قوم باید برای عبادت من جمع شوند. <sup>3</sup> (در روز سبت نیز که هفتمین روز هفته می‌باشد، قوم باید برای عبادت من جمع شوند. در هر جا که ساکن باشند باید در این روز دست از کار کشیده، استراحت کنند.) <sup>4</sup> این اعیاد مقدس که باید هر سال جشن گرفته شوند از این قرارند:

\* در اصل: «تا نویر برای خداوند باشد.»



هفت برهٔ یک سالهٔ سالم و بی‌عیب، یک گوساله و دو قوچ بعنوان قربانی سوختنی با هدایای آردی و نوشیدنی آنها به من تقدیم کنید. این هدایا که بر آتش تقدیم می‌شوند موردپسند من می‌باشند.<sup>19</sup> همچنین یک بز نر بعنوان قربانی گناه و دو برهٔ نر یکساله بعنوان قربانی سلامتی ذبح کنید.

### عید سایه‌بانها

(اعداد 12: 29-40)

<sup>34,33</sup> «روز پانزدهم ماه هفتم، عید سایه‌بانها آغاز می‌شود و باید تا مدت هفت روز در حضور من جشن گرفته شود.<sup>35</sup> تر روز اول تمامی قوم اسرائیل را برای عبادت جمع کنید و از کارهای معمول خود دست بکشید.<sup>36</sup> در هر هفت روز عید، هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم نمایید. در روز هشتم دوباره تمامی قوم را برای عبادت جمع کنید و هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم نمایید. این روز، آخرین روز عید است و نباید هیچ کاری انجام دهید.

<sup>37</sup> «(این است اعیاد مقدسی که در آنها باید تمامی قوم آردی، هدایای نوشیدنی و سایر قربانی‌ها را بر آتش به درگاه من تقدیم کنند.<sup>38</sup> این اعیاد مقدس غیر از روزهای مخصوص سبت است. هدایایی که در این اعیاد تقدیم می‌کنید غیر از هدایای روزانه، نذری و داوطلبانه‌ای است که به خداوند تقدیم می‌کنید.)

<sup>39</sup> «از روز پانزدهم ماه هفتم که پایان برداشت محصول است، این عید هفت روزه را در حضور من جشن بگیرید. به یاد داشته باشید که روزهای اول و آخر این عید، روزهای استراحت می‌باشند.<sup>40</sup> تر روز اول، از درختان خود میوه‌های خوب بچینید و شاخه‌های نخل و شاخه‌های درختان پربرگ و شاخه‌های بید گرفته با آنها سایه‌بان درست کنید و هفت روز در حضور من که خداوند، خدای شما هستم شادی کنید.<sup>41</sup> برگزاری این عید هفت روزه در ماه هفتم، یک قانون دایمی است که باید نسل اندر نسل انجام گیرد.<sup>42</sup> در طول آن هفت روز همهٔ شما اسرائیلیها باید در سایه‌بانها بسر برید.<sup>43</sup> هدف از این عید آن است که نسلهای شما بدانند هنگامی که من بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آوردم، آنها را در

هفت برهٔ یک سالهٔ سالم و بی‌عیب، یک گوساله و دو قوچ بعنوان قربانی سوختنی با هدایای آردی و نوشیدنی آنها به من تقدیم کنید. این هدایا که بر آتش تقدیم می‌شوند موردپسند من می‌باشند.<sup>19</sup> همچنین یک بز نر بعنوان قربانی گناه و دو برهٔ نر یکساله بعنوان قربانی سلامتی ذبح کنید.

<sup>20</sup> «کاهن، این دو برهٔ ذبح شده را با نانهای پخته شده از آخرین برداشت محصول شما بعنوان هدیهٔ مخصوص در حضور من تکان دهد. این هدایا برای من مقدسند و باید برای خوراک به کاهنان داده شوند.<sup>21</sup> تر آن روز اعلان شود که مردم از کارهای معمول خود دست کشیده، برای عبادت جمع شوند. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.<sup>22</sup> (وقتی که محصولات خود را درو می‌کنید، گوشه‌های مزرعهٔ خود را تمام درو نکنید و خوشه‌های برزمین افتاده را جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبانی که در میان شما ساکنند، بگذارید.) من خداوند، خدای شما این دستورات را به شما می‌دهم.

### عید شیپورها

(اعداد 1: 29-6)

<sup>24,23</sup> «روز اول ماه هفتم هر سال روز استراحت است و همهٔ قوم اسرائیل باید با شنیدن صدای شیپورها، برای عبادت جمع شوند.<sup>25</sup> تر آن روز هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم کنید و هیچ کار دیگری انجام ندهید.

### روز کفاره

(اعداد 7: 29-11)

<sup>27,26</sup> «روز دهم ماه هفتم هر سال، روز کفاره است. در آن روز تمام قوم باید برای عبادت جمع شوند و روزه بگیرند و هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم کنند.<sup>28</sup> تر روز کفاره هیچ کار نکنید، زیرا روزی است که باید برای گناهان خود از من که خدای شما هستم طلب آمرزش نمایید.<sup>29</sup> هر شخصی که آن روز را در روزه بسر نبرد، از میان قوم خود طرد خواهد شد.<sup>30,31</sup> من کسی را که در آن روز دست به هر گونه کاری بزند، طرد کرده، مجازات خواهم نمود.

زندان انداختند تا هنگامی که معلوم شود خواست خداوند برای او چیست.

<sup>14,13</sup> خداوند به موسی فرمود: «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دستهای خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند. <sup>16,15</sup> به قوم اسرائیل بگو که هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. این قانون هم شامل اسرائیلی‌ها می‌شود و هم شامل غریبه‌ها.

<sup>17</sup> «هر که انسانی را بکشد، باید کشته شود. <sup>18</sup> هر کس حیوانی را که مال خودش نیست بکشد، باید آن را عوض دهد جان در برابر جان. <sup>20,19</sup> هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند، باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود. شکستگی در برابر شکستگی، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. <sup>21</sup> پس، هر کس حیوانی را بکشد، باید آن را عوض دهد، اما اگر انسانی را بکشد، باید کشته شود. <sup>22</sup> این قانون هم برای غریبه‌ها و هم برای اسرائیلی‌هاست. من که خداوند، خدای شما هستم این دستور را می‌دهم.» <sup>23</sup> پس آن جوان را بیرون اردوگاه برده، همانطور که خداوند به موسی امر فرموده بود، سنگسار کردند.

### سال هفتم

هنگامی که موسی بالای کوه سینا بود، خداوند این دستورات را برای قوم اسرائیل به او داد:

## 25

وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید، هر هفت سال یک بار بگذارید زمین در حضور من استراحت کند. <sup>3</sup> شش سال زمینهای زراعتی خود را بکارید، درختان انگورتان را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید، <sup>4</sup> ولی در طول سال هفتم زمین را وقف خداوند کنید و چیزی در آن نکارید. در تمام طول آن سال بذری نکارید و درختان انگورتان را هرس نکنید. <sup>5</sup> حتی نباتات خودرو را برای خود درو نکنید و انگورها را برای خود نچینید، زیرا آن سال برای زمین، سال

زیر سایه‌بانها سکونت دادم. من خداوند، خدای شما هستم.»

<sup>44</sup> بدین ترتیب موسی مقررات اعیاد مقدس را به اطلاع قوم اسرائیل رسانید.

### نگهداری از چراغها

(خروج 27: 20-21)

24 خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که روغن زیتون خالص برای چراغان عبادتگاه بیاورند تا چراغهای آن همیشه روشن بماند. <sup>43</sup> هارون چراغان طلای خالص را که در بیرون پرده حایل بین قدس و قدس‌الاقداص است، هر روز غروب با روغن تازه پر نموده، فتنله‌هایش را تمیز کند و تا صبح آن را در حضور من روشن نگه دارد. این یک قانون همیشگی برای نسلهای شماست.

### نان مقدس

<sup>8-5</sup> «در هر سبت، دوازده قرص نان بگیر و آنها را در دو ردیف شش تایی روی میزی که از طلای خالص است و در حضور من قرار دارد بگذار. (این نانها باید با آرد مرغوب پخته شوند و برای پختن هر قرص یک کیلو آرد مصرف شود.) روی هر ردیف نان، بخور مقدس خالص گذاشته شود. این بخور بعنوان نمونه‌ای از نان، بر آتش به درگاه من تقدیم شود. <sup>9</sup> نانها به هارون و پسرانش و نسلهای او تعلق دارد و ایشان باید آن را در جای مقدسی که برای این منظور در نظر گرفته شده است بخورند، چون این هدیه از مقدس‌ترین هدایایی است که بر آتش به درگاه من تقدیم می‌شود.»

### مجازات کفر

<sup>10</sup> روزی در اردوگاه، مرد جوانی که مادرش اسرائیلی و پدرش مصری بود با یکی از مردان اسرائیلی به نزاع پرداخت. <sup>11</sup> هنگام نزاع مردی که پدرش مصری بود به خداوند کفر گفت. پس او را نزد موسی آوردند. (مادر آن مرد، دختر دبری از قبیله دان بود و شلومیت نام داشت.) <sup>12</sup> او را به

خداوند محصول سال ششم را بقدری برکت می‌دهد که تا زمان برداشت محصولی که در سال هشتم کاشته‌اید باقی بماند و شما از آن بخورید.

<sup>23</sup> به یاد داشته باشید که زمین مال خداوند است، و نمی‌توانید آن را برای همیشه بفروشید. شما مهمان خداوند هستید و می‌توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید. <sup>24</sup> هنگام فروش زمین، باید قید شود که هر وقت فروشنده بخواهد، می‌تواند زمین را بازخرد نماید. <sup>25</sup> اگر کسی نتگدست شد و مقداری از زمین خود را فروخت، آنوقت نزدیکترین خویشاوند او می‌تواند زمین را بازخرد نماید. <sup>26</sup> اما اگر کسی را نداشته باشد که آن را بازخرد کند ولی خود او پس از مدتی به اندازه کافی پول به دست آورد، <sup>27</sup> آنگاه، هر وقت که بخواهد می‌تواند با در نظر گرفتن مقدار محصولی که تا سال پنجاهم از زمین حاصل می‌شود، قیمت آن را بپردازد و زمین را پس بگیرد. <sup>28</sup> ولی اگر صاحب اصلی نتواند آن را بازخرد نماید، زمین تا سال یوبیل از آن مالک جدیدش خواهد بود، ولی در سال یوبیل باید دوباره آن را به صاحبش برگرداند.

<sup>29</sup> اگر مردی خانه خود را که در شهر است بفروشد، تا یک سال مهلت دارد آن را بازخرد نماید. <sup>30</sup> اگر در طی آن سال بازخرد نکرد آنوقت برای همیشه مال صاحب جدیدش خواهد بود و در سال یوبیل به صاحب اصلی‌اش پس داده نخواهد شد. <sup>31</sup> اما خانه‌هایی را که در روستاهای بدون حصار قرار دارند، می‌توان مثل زمین زراعتی در هر زمان بازخرد نمود و در سال یوبیل باید آنها را به صاحبان اصلی بازگرداند.

<sup>32</sup> اما یک استثنا وجود دارد: خانه‌های لایویا، حتی اگر در شهر نیز باشند، در هر موقع قابل بازخرد خواهند بود. <sup>33</sup> و باید در سال پنجاهم به صاحبان اصلی پس داده شوند، چون به لایویا مثل قبیله‌های دیگر زمین زراعتی داده نمی‌شود، بلکه فقط در شهرهای خودشان به ایشان خانه داده می‌شود. <sup>34</sup> لایویا اجازه ندارند مزرعه‌های حومه شهر خود را بفروشند، زیرا اینها ملک دایمی ایشان است.

استراحت است. <sup>7,6</sup> هر محصولی که در آن سال بروید برای همه می‌باشد، یعنی برای شما، کارگران و بردگان شما، و هر غریبی که در میان شما ساکن است. بگذارید حیوانات اهلی و وحشی نیز از محصول زمین بخورند.

### سال یوبیل

<sup>8</sup> هر پنج‌سال یک بار، <sup>9</sup> در روز کفار که روز دهم از ماه هفتم است، در سراسر سرزمین‌تان شیپورها را با صدای بلند بنوازید. <sup>10</sup> سال پنجاهم، سال مقدسی است و باید آزادی برای تمام ساکنان سرزمین اعلام شود. در آن سال باید تمام مایملک فامیلی که به دیگران فروخته شده به صاحبان اصلی یا وارثان ایشان پس داده شود و هر کسی که به بردگی فروخته شده نزد خانواده‌اش فرستاده شود.

<sup>11</sup> سال پنجاهم، سال یوبیل است. در آن سال نه بذر بکارید، نه محصولاتتان را درو کنید، و نه انگورتان را جمع کنید، <sup>12</sup> زیرا سال یوبیل برای شما سال مقدسی است. خوراک آن سال شما از محصولات خودرویی باشد که در مزرعه‌ها می‌رویند. <sup>13</sup> آری، در طول سال یوبیل هر کسی باید به ملک اجدادی خود باز گردد. اگر آن را فروخته باشد، دوباره از آن خودش خواهد شد. <sup>14,15,16</sup> به همین علت اگر در طول چهل و نه سال آن زمین خرید و فروش شود، باید قیمت عادلانه زمین را با توجه به نزدیک و یا دور بودن سال پنجاهم تعیین کرد. اگر سالهای زیادی به سال پنجاهم مانده باشد قیمت زمین بیشتر و اگر سالهای کمی مانده باشد قیمت، کمتر خواهد بود چون در واقع خریدار، قیمت محصولی را که در طول این مدت می‌تواند بدست آورد، می‌پردازد.

<sup>17</sup> از خداوند، خدای خود بترسید و یکدیگر را فریب ندهید. <sup>18</sup> اگر از احکام و قوانین خداوند اطاعت کنید در آن سرزمین، امنیت خواهید داشت <sup>19</sup> و زمین محصول خود را خواهد داد و شما سیر و آسوده خاطر خواهید بود. <sup>20</sup> شاید بپرسید: «پس در سال هفتم که نه اجازه داریم چیزی بکاریم و نه محصولی جمع کنیم، چه بخوریم؟» <sup>21,22</sup> جواب این است:

بفروشد آن غریبه باید با او مثل یک کارگر روزمزد رفتار کند؛ نباید با او با خشونت رفتار نماید.<sup>54</sup> اگر پیش از فرا رسیدن سال یوبیل باز خرید نشود، باید در آن سال، خود و فرزندان آزاد گردند،<sup>55</sup> چون شما بندگان خداوند هستید و او شما را از سرزمین مصر بیرون آورد. او خداوند، خدای شماست.

### پاداش اطاعت

(تثیه 7: 24-12: 28؛ 14-1)

خداوند فرمود: «بت برای خود درست نکنید. مجسمه، ستونهای سنگی و سنگهای تراشیده شده برای پرستش نسازید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم. قانون روز سبت مرا اطاعت کنید و عبادتگاه مرا محترم بدارید، زیرا من خداوند هستم.

## 26

<sup>3</sup> «اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید،<sup>4</sup> به موقع برای شما باران خواهم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه خود را خواهند داد.<sup>5</sup> خرمن شما بقدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما بقدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد،<sup>6</sup> زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد. دشمنانتان را تعقیب خواهید کرد و ایشان را با شمشیرهایتان خواهید کشت.<sup>8</sup> پنج نفر از شما صد نفر را تعقیب خواهند کرد و صدنفرتان ده هزار نفر را! تمام دشمنانتان را شکست خواهید داد.<sup>9</sup> شما را مورد لطف خود قرار خواهم داد و شما را کثیر گردانیده، به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد.<sup>10</sup> بقدری محصول اضافی خواهید داشت که در وقت به دست آمدن محصول جدید ندانید با آن چه کنید!<sup>11</sup> من در میان شما ساکن خواهم شد و دیگر شما را طرد نخواهم کرد.<sup>12</sup> در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.

<sup>35</sup> اگر یکی از هم نژادان اسرائیلی تو فقیر شد، وظیفه توست که به او کمک کنی. پس از او دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مثل مهمان با تو زندگی کند.<sup>36</sup> از او هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند.<sup>37</sup> برای پولی که به او قرض می‌دهی سود نگیر و بدون منفعت به او خوراک بفروش،<sup>38</sup> زیرا خداوند، خدایان، شما را از سرزمین مصر بیرون آورد تا سرزمین کنعان را به شما بدهد و خدای شما باشد.

<sup>39</sup> اگر یکی از هم نژادان اسرائیلی تو فقیر شد و خود را به تو فروخت، تو نباید با او مثل برده رفتار کنی، بلکه باید با او مثل کارگر روزمزد یا مهمان رفتار کنی و او فقط تا سال یوبیل برای تو کار کند.<sup>41</sup> در آن سال او باید با پسرانش از پیش تو برود و نزد فامیل و املاک خود بازگردد.<sup>42</sup> شما بندگان خداوند هستید و خداوند شما را از مصر بیرون آورد، پس نباید به بردگی فروخته شوید.<sup>43</sup> با ایشان با خشونت رفتار نکن و از خدای خود بترس.<sup>44</sup> اما اجازه دارید بردگانی از اقوامی که در اطراف شما ساکنند خریداری کنید.<sup>45</sup> و همچنین می‌توانید فرزندان غریبانی را که در میان شما ساکنند بخرید، حتی اگر در سرزمین شما دنیا آمده باشند.<sup>46</sup> آنان بردگان همیشگی شما خواهند بود و بعد از خودتان می‌توانید ایشان را برای فرزندانان و اگر دارید. ولی با برادرانتان از قوم اسرائیل چنین رفتار نکنید.

<sup>47</sup> اگر غریبی که در میان شما ساکن است ثروتمند شد و یک اسرائیلی، فقیر گردید و خود را به آن غریب یا به یکی از افراد خاندان او فروخت،<sup>48</sup> یکی از برادرانش یا عمویش یا پسر عمویش یا یکی از اقوام نزدیکش می‌تواند او را باز خرید نماید. اگر خود او هم پولی بدست آورد، می‌تواند خود را باز خرید نماید.<sup>50</sup> او با باز خریدکننده‌اش باید از سال برده شدنش تا سال یوبیل را حساب کند. بهای آزادی او باید مسایمی که کارگر در همان مدت باشد.<sup>51</sup> اگر تا سال یوبیل مدت زیادی باقی مانده باشد، او پول بیشتری برای آزادی خود بپردازد و اگر کم مانده باشد پول کمتری.<sup>53</sup> اگر خود را به غریبه‌ای

بگریزی در آنجا وبا به میان شما خواهم فرستاد، و شما مغلوب دشمنانتان خواهید شد.<sup>26</sup> ذخیره آرد شما را از بین خواهم برد بطوری که حتی یک تئور هم برای پختن نان ده خانواده زیاد باشد. بعد از آنکه سهم نان خود را خوردید، باز هم گرسنه خواهید بود.

<sup>27</sup> «با این وصف اگر باز به من گوش ندهید و اطاعت نکنید،<sup>28</sup> بشدت غضبناک می‌شوم و بسبب گناهانتان هفت مرتبه شدیدتر از پیش شما را تنبیه می‌کنم،<sup>29</sup> بحدی که از شدت گرسنگی پسران و دختران خود را خواهید خورد.<sup>30</sup> بتخانه‌هایی را که در بالای تپه‌ها ساخته‌اید خراب خواهم کرد، قربانگاه‌هایی را که بر آنها بخور می‌سوزانید با خاک یکسان خواهم نمود، جنازه‌های شما را بر بت‌های بی‌جان‌تان خواهم انداخت و از شما نفرت خواهم داشت.<sup>31</sup> شهرهایتان را ویران و مکانهای عبادتتان را خراب خواهم کرد. قربانی‌هایتان را نخواهم پذیرفت.<sup>32</sup> آری، سرزمین شما را خالی از سکنه خواهم کرد و دشمنانتان در آنجا ساکن خواهند شد و از بلایی که بر سر شما آورده‌ام، حیران خواهند شد.

<sup>33</sup> «بلای جنگ را بر شما نازل خواهم کرد تا در میان قوم‌ها پراکنده شوید. سرزمین شما خالی و شهرهایتان خراب خواهند شد.<sup>34،35</sup> آنگاه زمین‌هایی که نمی‌گذاشید استراحت کنند، در تمام سالهایی که شما در سرزمین دشمن در اسارت بسر می‌برید، بایر خواهند ماند و استراحت خواهند کرد. آری، آنوقت است که زمین استراحت می‌کند و از روزهای آرامی خود برخوردار می‌شود. زمین بعضی سالهایی که شما به آن آرامی نداده بودید، استراحت خواهد کرد.

<sup>36</sup> «کاری می‌کنم که آن عده از شما هم که به سرزمین دشمن به اسارت رفته‌اید، در آنجا پیوسته در ترس و وحشت بسر برید. از صدای برگ درختی که باد آن را بر روی زمین حرکت می‌دهد پا به فرار خواهید گذاشت. به گمان اینکه دشمن در تعقیب شماست، خواهید گریخت و بر زمین خواهید

<sup>37</sup> من خداوند، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا دیگر برده نباشید. زنجیرهای اسارت شما را پاره کردم و شما را سربلند نمودم.

### مجازات ناطاعتی

(تنبیه 28: 15-68)

<sup>14</sup> «ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید،<sup>15</sup> قوانین مرا رد کنید و عهدهی را که با شما بسته‌ام بشکنید،<sup>16</sup> آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و ترس و امراض مهلک و تبی که چشم‌هایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم فرستاد. بذر خود را بیهوده خواهید کاشت، زیرا دشمنانتان حاصل آن را خواهند خورد.<sup>17</sup> من برضد شما برخوام خاست و شما در برابر دشمنان خود پا به فرار خواهید گذاشت. کسانی که از شما نفرت دارند بر شما حکومت خواهند کرد. حتی از سایه خود خواهید ترسید.

<sup>18</sup> «اگر باز هم مرا اطاعت نکنید، هفت بار شدیدتر از پیش، شما را بخاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.<sup>19</sup> قدرت شما را که به آن فخر می‌کنید، درهم خواهم کوبید. آسمان شما بی‌ایران و زمین شما خشک خواهد شد.<sup>20</sup> تیروی خود را به هدر خواهید داد، چون زمین شما حاصل خود و درختانتان میوه خویش را نخواهند داد.

<sup>21</sup> «اگر بعد از همه اینها باز هم مرا اطاعت نکنید و به من گوش ندهید، آنوقت بخاطر گناهانتان هفت مرتبه بیشتر بلا بر سرتان می‌آورم.<sup>22</sup> جانوران وحشی را می‌فرستم تا فرزندان‌تان را بکشند و حیوانات شما را هلاک کنند و از تعداد جمعیت شما بکاهدن تا راه‌هایتان بدون رهگذر و متروک شوند.

<sup>23</sup> «اگر با وجود این اصلاح نشوید و برخلاف خواست من رفتار کنید،<sup>24</sup> آنوقت من هم برخلاف میل شما رفتار خواهم کرد و شما را بسبب گناهانتان هفت بار بیشتر از پیش تنبیه خواهم نمود.<sup>25</sup> اگر عهد مرا بشکنید، از شما انتقام می‌کنم و علیه شما جنگ بر پا می‌کنم. وقتی از دست دشمن به شهرهایتان

بپردازند. برای پسر یک ماهه تا پنج ساله، پنج مثقال نقره و برای دختر یک ماهه تا پنج ساله، سه مثقال نقره پرداخت شود.<sup>7</sup> مرد از شصت سال به بالا، پانزده مثقال نقره و زن از شصت سال به بالا، ده مثقال نقره بپردازد.<sup>8</sup> ولی اگر کسی فقیرتر از آن باشد که بتواند این مبلغ را بپردازد، نزد کاهن آورده شود و کاهن مبلغی را تعیین کند که او قادر به پرداخت آن باشد.

<sup>9,10</sup> اگر کسی حیوانی که مورد قبول خداوند است نذر کند باید همان حیوان را تقدیم نماید زیرا این نذر مقدس است و نمی‌توان آن را عوض کرد. نذر کننده تصمیم خود را درباره چیزی که برای خداوند نذر کرده است تغییر ندهد و خوب را با بد یا بد را با خوب عوض نکند. اگر چنین کند، اولی و دومی، هر دو از آن خداوند خواهند بود.<sup>11</sup> ولی اگر حیوانی که برای خداوند نذر شده آن نوع حیوانی نیست که برای قربانی مجاز می‌باشد، صاحبش آن را نزد کاهن بیاورد تا قیمتش را تعیین کند و او باید آن مبلغ را بپردازد.<sup>13</sup> اگر حیوان از نوعی است که می‌توان آن را بعنوان قربانی تقدیم نمود ولی صاحبش می‌خواهد آن را باز خرید نماید، در آن صورت علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می‌کند، باید یک پنجم قیمت آن را نیز اضافه بپردازد.

<sup>14,15</sup> اگر کسی خانه خود را وقف خداوند کند ولی بعد بخواهد آن را باز خرید نماید، کاهن باید قیمت خانه را تعیین کند و نذر کننده، این مبلغ را به اضافه یک پنجم بپردازد. آنوقت خانه دوباره از آن خودش خواهد بود.

<sup>16</sup> اگر کسی قسمتی از زمین خود را وقف خداوند کند، ارزش آن به تناسب مقدار بذری که در آن می‌توان کاشت تعیین شود. قطعه زمینی که صد کیلو جو در آن پاشیده شود، پنجاه مثقال نقره ارزش دارد.<sup>17</sup> اگر شخصی در سال یوبیل مزرعه خود را وقف خداوند کند، در آن صورت قیمت زمین برابر با قیمت محصول پنجاه ساله آن خواهد بود.<sup>18</sup> ولی اگر بعد از سال یوبیل باشد، آنوقت کاهن قیمت زمین را به تناسب تعداد سالهایی که به سال یوبیل بعدی باقی

افتاد.<sup>17</sup> آری، هر چند کسی شما را تعقیب نکند، پا به فرار خواهید گذاشت و درحین فرار روی هم خواهید افتاد، گویی از جنگ می‌گریزید. رمقی نخواهید داشت تا در برابر دشمنان خود بایستید.<sup>38</sup> در میان قومه‌ها هلاک خواهید شد و در میان دشمنانتان از پای درخواهید آمد.<sup>39</sup> آنهایی که باقی بمانند در سرزمین دشمن بخاطر گناهان خود و گناهان اجدادشان از بین خواهند رفت.

<sup>40,41</sup> «ولی اگر آنها به گناهان خود و به گناهان پدرانشان که به من خیانت ورزیدند و باعث شدند که من آنها را به سرزمین دشمنانتان تبعید کنم، اعتراف کنند و متواضع گردند و مجازات گناهانتان را بپذیرند،<sup>42</sup> آنگاه دوباره وعده‌های خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب به یاد خواهم آورد و به یاد سرزمین آنها خواهم افتاد،<sup>43</sup> سرزمینی که متروک مانده، کشت نشده و استراحت یافته است. هر چند ایشان بخاطر رد کردن قوانین من و خوار شمردن دستورات من مجازات خواهند شد،<sup>44</sup> ولی با وجود این من ایشان را در سرزمین دشمنانتان ترک نخواهم کرد و بکلی از بین نخواهم برد و عهد خود را با آنها نخواهم شکست، چون من خداوند، خدای ایشان هستم.<sup>45</sup> من عهدی را که با اجداد ایشان بستم به یاد خواهم آورد، زیرا من اجداد ایشان را پیش چشم تمام قوم‌ها از مصر بیرون آوردم تا خدای ایشان باشم. من خداوند هستم.»

<sup>46</sup> اینها احکام، قوانین و مقرراتی هستند که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

### قوانین مربوط به موقوفات

27 خداوند این مقررات را توسط موسی به قوم اسرائیل داد: هرگاه شخصی به موجب نذری به خداوند وقف شود، می‌تواند مبلغ معینی بپردازد و خود را از وقف آزاد سازد.<sup>3</sup> مردی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد، پنجاه مثقال نقره بپردازد.<sup>4</sup> نری که سنش بین بیست تا شصت سال باشد سی مثقال نقره،<sup>5</sup> پسران پنج تا بیست ساله، بیست مثقال نقره و دختران پنج تا بیست ساله، ده مثقال نقره

خواهد این میوه یاغله را بازخريد نماید، باید یک پنجم به قیمت اصلی آن اضافه کند.

<sup>32</sup>ده یک گله و رمه از آن خداوند است. وقتی حیوانات شمرده می‌شوند، هر دهمین حیوان متعلق به خداوند است. <sup>33</sup>صاحب گله نباید حیوانات را طوری قرار دهد که حیوانات بد برای خداوند جدا شوند و نباید جای حیوان خوب را با بد عوض کند. اگر چنین کند، هر دو حیوان متعلق به خداوند خواهند بود و دیگر هرگز حق بازخريد آنها را نخواهد داشت.

<sup>34</sup>این است دستوراتی که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

مانده است، تعیین خواهد کرد. <sup>19</sup>اگر آن شخص تصمیم بگیرد آن مزرعه را بازخريد نماید، بایستی علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می‌نماید یک پنجم هم اضافه بپردازد و مزرعه دوباره مال خودش خواهد شد. <sup>20</sup>ولی اگر مزرعه را بدون اینکه بازخريد نموده باشد، به دیگری بفروشد، دیگر هرگز حق بازخريد آن را نخواهد داشت. <sup>21</sup>وقتی که درسال یوبیل آن زمین آزاد شود، بعنوان موقوفه متعلق به خداوند خواهد بود و باید به کاهنان داده شود.

<sup>22</sup>اگر کسی مزرعه‌ای را که خریده است، وقف خداوند کند ولی آن مزرعه قسمتی از ملک خانوادگی او نباشد، <sup>23</sup>کاهن باید ارزش آن را به تناسب مقدار سالهایی که تا سال یوبیل مانده، تعیین کند، و او هم باید همانروز مبلغ تعیین شده را بپردازد. این مبلغ به خداوند تعلق دارد. <sup>24</sup>در سال یوبیل مزرعه به صاحب اصلی آن که از او

خریداری شده، بازپس داده شود. <sup>25</sup>تمام قیمت‌گذاری‌ها باید مطابق قیمت تعیین شده باشد.

<sup>26</sup>اولین نوزاد هر حیوانی متعلق به خداوند است، پس کسی نمی‌تواند آن را برای خداوند نذر کند. اولین نوزاد حیوان حلال گوشت را می‌توان به خداوند تقدیم کرد. <sup>27</sup>اما نوزاد حیوان حرام گوشت را که نمی‌توان برای خداوند قربانی کرد، می‌توان با پرداخت قیمتی که کاهن برای آن تعیین می‌کند به اضافه یک پنجم، بازخريد نمود. اگر صاحبش نخواهد آن را بازخريد کند، کاهن می‌تواند آن را به شخص دیگری بفروشد.

<sup>28</sup>اما چیزی که تماماً وقف خداوند شده باشد\*، چه انسان، چه حیوان و چه مزرعه خانوادگی، هرگز فروخته یا بازخريد نشود چون برای خداوند بسیار مقدس است. <sup>29</sup>کسی که در دادگاه به مرگ محکوم شده باشد نمی‌تواند جان خود را بازخريد نماید، بلکه باید حتماً کشته شود.

<sup>30</sup>ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می‌باشد. <sup>31</sup>اگر کسی

\* هر چیزی که تماماً وقف خداوند می‌شد، کاملاً به خداوند تعلق می‌گرفت و کسی حق استفاده از آن را نداشت و معمولاً آن را بطور کلی نابود می‌کردند.